



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین‌نامه‌ها - بخش‌نامه‌ها - آگهی‌های رسمی و قانونی - سوالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۱۰۸۸

صفحه ۳۶۷۷

مدیر: سید محمد ششمی

۳۳ شنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۲۷

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۳۸

روزنامه رسمی

## فهرست مندرجات

- ۱- صورت مشروح مذاکرات صد و پنجاهمین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۶
- ۲- آگهی‌های رسمی ۷

# مذاکرات مجلس

جلسه ۱۱۸

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه سیزدهم آبان ماه ۱۳۲۷

## فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بقیه استيضاح و تصویب مجلس برای اعتماد
- ۳- طرح پیشنهادی نمایندگان راجع بنظارت در راه آهن
- ۴- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس پنجاه و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

## ۱- تصویب صورت مجلس

صورت مجلس روز چهارشنبه دوازدهم آبان ماه آقای فولادوند (منشی) بشرح زیر قرائت نمودند

یمین استبدیاری . دکتر ملکی . فاضلی . صفای امامی .

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: دکتر بقائی فولادوند . بهجانی . نصرت‌الله اسکندری . ماهقانی

دکتر دفتری . دکتر اعتبار . دکتر طباطبائی . فرامرزی

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: عزیز زنگنه محمد ذوالفقاری . آقاخان بختیار . عباس تراقی . محمد علی مسعودی . قوامی . شهاب خسروانی . نیک

پور . قهرمان . گلبادی . اسدی . صاحب‌بوانی . بانامانقلیج . کعبی .

آقای ناصر ذوالفقاری راجع بسوء استفاده هائی که سابقاً در گمرک شده و از طرف آقای نخست

وزیر مورد تعقیب قرار گرفته توضیحی دادند .

پنجاه دقیقه قبل از ظهر روز چهارشنبه ۱۲ آبان مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت

جلسه پیش قرائت گردید

اسامی غائبین جلسه گذشته کضمن صورت مجلس خوانده شده است:

غائبین با اجازه - آقایان: بیات . آشتیانی زاده حسن اکبر . غضنفری . لاهوتی . گنجی . برزین . محمد ساعد .

غائبین بی اجازه - آقایان: محمد حسین قشقائی حاذقی . شادلو . دادور . قبادیان . تولیت . کامل

ماسکوئی . اخوان . ابوالقاسم بهجانی . امیر تیمور . نبوی . دکتر عبده رضوی . آصف ملک پور . حسین وکیل . ناصرالدین ناصری . محمد تقی بهار .

آقای آزاد در تعقیب استيضاح خود گفتند مقصود اساسی اینست که حق دولت از تجاوزات خارجیها و حقوق ملت از تمذیبات مأمورین دولت محفوظ بماند و بعد با توضیحی از اسراف و تبذیرات بانک ملی گفتند بودجه سال ۱۳۲۰ بانک ۳ میلیون تومان بوده و در سال ۱۳۲۴ بنوزده میلیون تومان بالغ شده است همچنین با اشاره بمقاله مندرجه در روزنامه اطلاعات گفتند آنچه راجع به بنگاه راه آهن ایراد کرده‌اند در این مقاله مورد تصدیق بنگاه قرار گرفته است سپس در موضوع تنزل پول و ترقی ارز و اقدامات شرکت نفت در تقسیم حق ملت ایران گفتند استخراج نفت در سال ۱۹۴۷ نوزده میلیون تن بوده و سه میلیون و هشتصد هزار تن از این مقدار بابت حق الامتیاز متعلق بملت ایران است که قیمت آن ۶۳ میلیون و هشتصد هزار لیره بمابدهند ولی در سال ۱۹۱۱ شرکت نفت سهام خود را بدولت انگلیس فروخت و در سال ۱۹۱۴ دولت انگلیس بدون رعایت سهم و حق ایران بهای مواد نفتی مورد احتیاج خود را سی شیلیک معین کرد و باین حساب در نتیجه نفتی که تنی شصت و پنج تومان در بازار دنیا بفروش میرسید بمسبب ماتنی ۱۷ تومان منظور شده است و نیز اضافه نمودند که شرکتهای آمریکائی بابت حق الامتیاز تنسی چهار دلار می‌پردازند و حق الامتیاز ، مالزنت جنوب تنسی چهار شیلیک منظور گردیده است .

سپس آقای آزاد در باب فحش مصنوعی و

● عین مذاکرات مشروح یکصد و هجدهمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

توطئه علیه امنیت عمومی و ایجاد فتنه و فساد برای تشکیل حکومت نظامی و قاجاق اوزاق از بنادر جنوب و حمل برنج و روغن قاجاق از تهران باره آهن و استقرار حکومت نظامی در سراسر کشور عراق شرحی ایراد و اظهار عقیده نمودند که آزادی و امنیت ملت ایران مورد تهدید است و مجلس باید از آن جلوگیری کند و بعد در موضوع مضبوطات گفتند چون محکم تکلیف مضبوطات توقیف شده را زمین کرده است استیضاح خود را در این مورد مسترد میدارند و در خاتمه چنین استنتاج نمودند که جرائی واقع میشود و مجرمین متنفذ خود را تبرئه میکنند ولی تاریخ منکر آن نباشد آقایان نمایندگان هنگام دادن رای متوجه آن باشند.

وکالت مصوب ۱۳۲۰ يك نواقصی دارد چنانکه اخیراً هم كانون وکلای ایران در انجمن بین المللی و کلاه شرکت کرده باندازه ای این قانون وکالت شرم آور است که ما نتوانستیم این را بفرستیم آنجا میخواستم استدعا بکنم که در اولین فرصت این طرح مطرح شود که وکلای عدلیه آزادی عمل داشته باشند و این قدر تحت نظر قوه مجریه نباشند استدعا میکنم در اولین فرصت این را مطرح بفرمائید

**رئیس** - این قسمت که مربوط بصورت مجلس نبود ولی بهر حال آن طرح هم در اولین فرصت مطرح میشود آقای نیکویی در صورت مجلس نظری دارید؟ (نیکویی - خیر مرضی ندارم) آقای دکتر مصباح زاده در صورت مجلس نظری دارید؟

**دکتر مصباح زاده** - عرض میکنم آقای آزاد در جلسه اول استیضاح وقتی که بیاناتشان تمام شد عین بیاناتشان را فرستادند برای روزنامه کیهان و ما آنرا چاپ کردیم بعد معلوم شد آنچه را که اینجا فرموده بودند با آنچه که برای ما فرستاده بودند مناسبت داشت و ما در شماره بعد کیهان در مقاله توضیح بر آمدیم و اظهار تأسف کردیم و خود ایشان هم وعده فرموده بودند که این جا رفع سوء تفاهم بکنند و دیر و زود هم بیخنده اجازه دادند که بنده موضوع را طرح بکنم و ایشان تصدیق کنند

**آزاد** - صحیح است  
**رئیس** - آقای رضوی  
**ابوالحسن رضوی** - عرض کنم در قسمت اخیر صورت جلسه نوشته بود بواسطه يك قسمت تشنج و يك صحبت هائی که شد جلسه خاتمه یافت بنده چون از شیراز آمده ام حامل يك مقدار از مطالب و تقاضاها و مستدعیات آنجا بودم که يك گوشه اش مربوط به همین قضیه است استدعای اهالی جنوب عموماً این بود که آقایان نمایندگان بالاخره جلسات را بيك صورتی خاتمه بدهند که ما بتوانیم بی بیرون بمانیم که چکار میکنند و بچه کار میکنند غالباً مشاهده میشود که جلسات نیم ساعت بیشتر طول نمی کشد و حالا بنده يك گوشه ای عرض کردم و اگر اجازه بفرمائید باقی مطالب را بعد عرض خواهم کرد

**رئیس** - دیگر نسبت بصورت مجلس نظری نیست؟ آقای دماوندی  
**مهندس دماوندی** - مطالبی آقای عباس اسکندری فرمودند راجع بوزارت کار و وزارت کارنامه ای نوشته است بمجلس و تکذیب کرده بنده سندی دیدم نزد خود آقای عباس اسکندری که بعسابداری نوشته بودند و جوهراتی که اینجا صحبت شد میریزند دروغ است بنا بر این خواستم عرض کنم که وزارت کار دروغ نوشته است

**رئیس** - دیگر نسبت بصورت مجلس نظری نیست؟

**اسکندری** - بنده اجازه خواسته بودم  
**رئیس** - نسبت بصورت مجلس است آقای اسکندری؟

**عباس اسکندری** - در صورت جلسه بنده میخواستم تقاضا کنم که قید شود طبق ماده ۵۲ بنده استیضاح کرده بودم

**رئیس** - صورت مجلس جلسه پیش و جلسه ماقبل که عده کافی نبود تصویب شد آقای اسکندری آقای مکی که آن استیضاح را قبول کردند مسترد داشتند و دیگر موردی ندارم که آقای وزیر فرهنگ و آقای نخست وزیر هم وارد این بحث بشوند خواستم متوجه باشند که در جوابی که سایر مطالب آقای آزاد داده میشود این نکته را رعایت کنند. آقای کشاورز صدر شما هم مطابق ماده ۱۰۹ اجازه خواستید بفرمائید

**رحیمیان** - باز هم ۱۰۹ تکرار میشود  
**کشاورز صدر** - بنده خیلی متأسفم که چرا يك مواردی پیش می آید که وقت مجلس بعنوان ماده ۱۰۹ گرفته میشود من آقای آزاد خیلی ارادت داشتم و دارم و خود ایشان هم شاهدند که همیشه نسبت بایشان صمیمیت و اخلاص داشته ولی حالا تعجب میکنم از این که چطور یکمرتبه ایشان آمدند در مجلس بنده را دیکتاتور طلب مرفی کردند و اشاره کردند که بنده ناچار شدم در حدود چند دقیقه که از ه دقیقه تجاوز نکند ثابت کنم که بنده دیکتاتور طلب نیستم. آقایان عموماً تصدیق میکنند که دیکتاتوری همیشه دنبال هرج و مرج است و موجب افشاش و بی نظمی و بعد از هرج و مرج است که دیکتاتوری می آید و من هیچوقت طالب هرج و مرج و افشاش نبوده ام. دیکتاتوری را کسانی میخواهند بیاورند که تضعیف میکنند دولت را، افشاش بوجود می آورند، بی نظمی بوجود می آورند و این کارها را میکنند آقای آزاد بنده ناچار هستم يك مقدمه ای را اینجا بگویم تا ثابت کنم باین که بنده دیکتاتور نیستم پیششید دیکتاتور طلب نیستم و چر این نسبت را بمن داده اند (همه نمایندگان) (آزاد) - اگر بنده عرض بکنم که شما دیکتاتور طلب نیستید می آید باین (خنده نمایندگان) اگر چنانچه بفرمائید من اشتباه کردم می آیم باین (بعضی از نمایندگان - اشتباه کردند) آقای آزاد هر کس که موافق میل و اراده ایشان اقدام نکنند نسبتی حاضرند بهش بدهند و بگویند دیکتاتور و دیکتاتور طلب است حالا هم بنده خلاف میل ایشان رفتار نکرده ام منتهی گناه بنده این است که چرا ایشان با دولتی که مخالف هستند من موافق این يك عقیده است جناب آقای دکتر معظمی با دولت مخالفند و بنده موافق ایشان نهایت صمیمیت را هم به بنده دارند هیچوقت هم به بنده نیکویند دیکتاتور طلب هستی جنابانی هم باید و در بیان باشد. آقای آزاد در زمان آقای قوام السلطنه در زمان آقای حکیم الملک در زمان آقای وزیر يك تقاضاهائی داشتند که بنده نمیدانم درست بود یا نه (همه نمایندگان) (زنك رئیس)

**پیکر از نمایندگان** - خود دولت می آید تقاضاهایش را میگوید  
**رئیس** - چرا وارد این مطالب میشود مجلس را باین ترتیب انداخته اند حالا ایشان هم بنده ۱۰۹ مستمسک میشوند هم چرا و همین ترتیب میشود

**کشاورز صدر** - بنده نباید صحبت بکنم قربان؟ این ها مقدمه است که میخواهم عرض کنم

**رئیس** - صحبت نسبت بهم غیر  
**کشاورز صدر** - اجازه بفرمائید من صحبت را عرض کنم اگر حرف خلافی زدم ایشان هم بیایند

از ماده ۱۰۹ استفاده بکنند (آزاد) بنده خیلی با ادب صحبت کردم ایشان هم باید با ادب صحبت کنند)  
**رئیس** - این که میشود من ناچارم بایشان هم اجازه بدهم  
**کشاورز صدر** - بسیار خوب بایشان هم اجازه بفرمائید. آقای آزاد برای حزب خودشان یا برای خودشان يك توفعائی داشته از آقای قوام السلطنه یا از آقای حکیمی یا ... (زنك منته رئیس)

**رئیس** - آقایان تأمل بفرمائید. تأمل بکنید آقای کشاورز این مجلس برای خدمت باین مردم تشکیل شده (صحیح است) من نمیتوانم موافقت کنم مخالف نظامنامه و مخالف حیثیت مجلس حرف بزنید (صحیح است) اینطور که مجلس پیش میرود افکار عموم را بطوری نسبت بمجلس منحرف کرده است که بنده نمی توانم تحمل بکنم که این حرفها را بزنید (صحیح است)

آقایان من نیت ساعت زحمت کشیدم در جلسه خصوصی آقایان تذکر دادم که وضع کار مجلس وظیفه ای که بعهده نمایندگان است این نیست حالا شما میخواهید حمله کنید آقای آزاد میخواهد جواب بدهد دفاع کند اینکه وضع مجلس نیست (صحیح است) شما از خودتان میتوانی دفاع کنید نسبتی که بشما داده شده رد کنید نسبتی بایشان بدهید من مجبورم که يك کلاس درس نظامنامه درست بکنم تا بعضی از آقایان بروند آنجا تعلم بکنند

**کشاورز صدر** - بنده بهتر از همه به نظامنامه واردم

**رئیس** - بروید بنشینید من بشما اخطار میکنم هر چه از خودتان میخواهید دفاع کنید دفاع کنید من اینطور بشما اجازه نمی دهم (کشاورز صدر - این مقدمه آن است میخواهم دفاع کنم) - شما هر چه از خودتان میخواهید دفاع کنید او از قوام السلطنه تقاضا کرده بشما چه؟

**بعضی از نمایندگان** - آقای آزاد بس گرفتند  
**کشاورز صدر** - آقای آزاد بلند شوند بگویند  
**بعضی از نمایندگان** - گفتند آقای کشاورز صدر بفرمائید باین...  
**مهندس دماوندی** - آقای کشاورز صدر شما آزاد میخواهید بفرمائید باین

از ماده ۱۰۹ استفاده بکنند (آزاد) بنده خیلی با ادب صحبت کردم ایشان هم باید با ادب صحبت کنند)  
**رئیس** - این که میشود من ناچارم بایشان هم اجازه بدهم  
**کشاورز صدر** - بسیار خوب بایشان هم اجازه بفرمائید. آقای آزاد برای حزب خودشان یا برای خودشان يك توفعائی داشته از آقای قوام السلطنه یا از آقای حکیمی یا ... (زنك منته رئیس)

**رئیس** - آقایان تأمل بفرمائید. تأمل بکنید آقای کشاورز این مجلس برای خدمت باین مردم تشکیل شده (صحیح است) من نمیتوانم موافقت کنم مخالف نظامنامه و مخالف حیثیت مجلس حرف بزنید (صحیح است) اینطور که مجلس پیش میرود افکار عموم را بطوری نسبت بمجلس منحرف کرده است که بنده نمی توانم تحمل بکنم که این حرفها را بزنید (صحیح است)

آقایان من نیت ساعت زحمت کشیدم در جلسه خصوصی آقایان تذکر دادم که وضع کار مجلس وظیفه ای که بعهده نمایندگان است این نیست حالا شما میخواهید حمله کنید آقای آزاد میخواهد جواب بدهد دفاع کند اینکه وضع مجلس نیست (صحیح است) شما از خودتان میتوانی دفاع کنید نسبتی که بشما داده شده رد کنید نسبتی بایشان بدهید من مجبورم که يك کلاس درس نظامنامه درست بکنم تا بعضی از آقایان بروند آنجا تعلم بکنند

**کشاورز صدر** - بنده بهتر از همه به نظامنامه واردم

**رئیس** - بروید بنشینید من بشما اخطار میکنم هر چه از خودتان میخواهید دفاع کنید دفاع کنید من اینطور بشما اجازه نمی دهم (کشاورز صدر - این مقدمه آن است میخواهم دفاع کنم) - شما هر چه از خودتان میخواهید دفاع کنید او از قوام السلطنه تقاضا کرده بشما چه؟

**بعضی از نمایندگان** - آقای آزاد بس گرفتند  
**کشاورز صدر** - آقای آزاد بلند شوند بگویند  
**بعضی از نمایندگان** - گفتند آقای کشاورز صدر بفرمائید باین...  
**مهندس دماوندی** - آقای کشاورز صدر شما آزاد میخواهید بفرمائید باین

عزیز بنده هستند و فرمودند که من این مطلب را نگفتم من عرضی ندارم ولی آقای آزاد من خواستم عرض کنم که من از کسانی هستم که با مرحوم میر سید محمد کرمی هم حزب بودیم پدر بزرگوار آقای دکتر متین دقتری مرحوم عین الملک بود همین آقای تقی زاده هم بودند این آقایان همه بودند بلی آقای آزاد بنده دیکتاتور نیستم خوی دیکتاتوری را هم ندارم میل دیکتاتوری را هم ندارم، خوی دیکتاتوری را کسانی دارند که روی حیوانات هم برانیک میکنند و گریه را دار می زنند نه بنده

**رئیس** - آقای مهندس هدایت  
**مهندس خسرو هدایت** - آقای آزاد فرمودند که بنده چهل نفر مستخدم مخصوص در راه آهن درست کرده ام (بعضی از نمایندگان -

بعضی از نمایندگان - آقای مهندس هدایت  
**مهندس خسرو هدایت** - آقای آزاد فرمودند که بنده چهل نفر مستخدم مخصوص در راه آهن درست کرده ام (بعضی از نمایندگان -

پس گرفتند) اگر ایشان بس می گیرند بنده مرضی ندارم  
**آزاد** - من نیکیم آقا شما که رئیس راه آهن نیستید نماینده مجلس هستید...  
**مهندس خسرو هدایت** - آقای آزاد شما فرمودید و اسم بردید خسرو هدایت چهل نفر مستعطف دارد.  
یا بیخود گفتید یا صحیح. اگر بیخود است بگویند (آزاد) - آقای مهندس من گفتم این تشکیلاتی است که دیگران باسم شما درست کرده اند من نگفتم که شما درست کرده اید (یک نفر از نمایندگان) بس تکذیب کردند (بنا بر این بنده در ماده ۱۰۹ صحبت میکنم و از موضوع هم خارج نمیشوم عرض کنم که خوشبختانه ماهی یکصد نفر مستعطف نداریم که مفاکرات خودمان را تشریح بکنیم. زحمت فراهم نمیشد اگر شما بنده را مستعطف فرمائید و یا انگلستان و یا سایر جاها توجه بفرمائید تمام مطالبی که گفته میشود از لحاظ مملکت شان قطعی است و مفید و از لحاظ دنیا نیز مؤثر است (صحیح است) ما هر روز بیست روز است که دولت را در اینجا آورده ایم دولتی که در هشتم تیر ۲۷ تشکیل شده و میگوئیم که چرا فلان اداره در سال ۲۶ فلان کار را نکرده (صحیح است) این باین دولت مربوط نیست آنچه کموتر است این است که آقایان مطالبی که در اینجا در پشت تریبون گفته میشود بردو قسم است یا يك مطالبی است از لحاظ مردم قابل توجه است یعنی يك اخبار عجیب و غریبی است که جالب توجه مردم است و شاید بشود گفت که اخبار عوام پسند است یا مطالبی که گفته میشود يك مطالبی است که عین واقع است عین آن چیزی است که واقع شده صورت گرفته است البته این نوع دوم با اصل و جهت ملی و جنت مکانی فرق دارد بنده در اینجا کلبه مطالبی که گفتم و بدهم بگویم مطالبی است که واقع شده و وجود داشته و بس و پیش نشده و عین این که مطالب بنده از نوع دوم است این است که ما کار بجهت مکانی و وجاهت ملی نداریم بنده اینجا میبایستی این هراس را بکنم يك مطلبی که در این مجلس شورای ملی میبایستی مورد توجه آقایان باشد این است که کسانی که باین مملکت بدون سرو صدا خدمت میکنند و مسلماً از افراد برجسته این کشور هستند نی بایستی اسمشان بزشتی برده شود بنده نمیخواهم ادعا بکنم اینهم روی سنواتی است که کار کرده ام و آقای مهندس میکده یکی از افراد فاضل و شریف این مملکت است و صحیح نبوده است که نسبت بایشان توهین بشود و بنده دلایلی که دارم و علت اینکه آقای آزاد نسبت بایشان بلفافند می دانم منتهی چون گفتم آنچه که مربوط باده ۱۰۹ نیست نمی گویم و شاید آقای آزاد از این مطلب رنجیده شوند نمیدانم ولی در اینجا وظیفه خود دانستم بگویم که آقای مهندس میکده در مدت خدمتش در هر جا که بوده در تمام این مدت جز یا کدما نمی و پرهیز کاری هیچ عملی نکرده است کلبه مطالبی که آقای آزاد نسبت براه آهن گفتند مطالبی است که آنچه دولت میبایستی یا صحیح بدهد ولی بنده

پس گرفتند) اگر ایشان بس می گیرند بنده مرضی ندارم  
**آزاد** - من نیکیم آقا شما که رئیس راه آهن نیستید نماینده مجلس هستید...  
**مهندس خسرو هدایت** - آقای آزاد شما فرمودید و اسم بردید خسرو هدایت چهل نفر مستعطف دارد.  
یا بیخود گفتید یا صحیح. اگر بیخود است بگویند (آزاد) - آقای مهندس من گفتم این تشکیلاتی است که دیگران باسم شما درست کرده اند من نگفتم که شما درست کرده اید (یک نفر از نمایندگان) بس تکذیب کردند (بنا بر این بنده در ماده ۱۰۹ صحبت میکنم و از موضوع هم خارج نمیشوم عرض کنم که خوشبختانه ماهی یکصد نفر مستعطف نداریم که مفاکرات خودمان را تشریح بکنیم. زحمت فراهم نمیشد اگر شما بنده را مستعطف فرمائید و یا انگلستان و یا سایر جاها توجه بفرمائید تمام مطالبی که گفته میشود از لحاظ مملکت شان قطعی است و مفید و از لحاظ دنیا نیز مؤثر است (صحیح است) ما هر روز بیست روز است که دولت را در اینجا آورده ایم دولتی که در هشتم تیر ۲۷ تشکیل شده و میگوئیم که چرا فلان اداره در سال ۲۶ فلان کار را نکرده (صحیح است) این باین دولت مربوط نیست آنچه کموتر است این است که آقایان مطالبی که در اینجا در پشت تریبون گفته میشود بردو قسم است یا يك مطالبی است از لحاظ مردم قابل توجه است یعنی يك اخبار عجیب و غریبی است که جالب توجه مردم است و شاید بشود گفت که اخبار عوام پسند است یا مطالبی که گفته میشود يك مطالبی است که عین واقع است عین آن چیزی است که واقع شده صورت گرفته است البته این نوع دوم با اصل و جهت ملی و جنت مکانی فرق دارد بنده در اینجا کلبه مطالبی که گفتم و بدهم بگویم مطالبی است که واقع شده و وجود داشته و بس و پیش نشده و عین این که مطالب بنده از نوع دوم است این است که ما کار بجهت مکانی و وجاهت ملی نداریم بنده اینجا میبایستی این هراس را بکنم يك مطلبی که در این مجلس شورای ملی میبایستی مورد توجه آقایان باشد این است که کسانی که باین مملکت بدون سرو صدا خدمت میکنند و مسلماً از افراد برجسته این کشور هستند نی بایستی اسمشان بزشتی برده شود بنده نمیخواهم ادعا بکنم اینهم روی سنواتی است که کار کرده ام و آقای مهندس میکده یکی از افراد فاضل و شریف این مملکت است و صحیح نبوده است که نسبت بایشان توهین بشود و بنده دلایلی که دارم و علت اینکه آقای آزاد نسبت بایشان بلفافند می دانم منتهی چون گفتم آنچه که مربوط باده ۱۰۹ نیست نمی گویم و شاید آقای آزاد از این مطلب رنجیده شوند نمیدانم ولی در اینجا وظیفه خود دانستم بگویم که آقای مهندس میکده در مدت خدمتش در هر جا که بوده در تمام این مدت جز یا کدما نمی و پرهیز کاری هیچ عملی نکرده است کلبه مطالبی که آقای آزاد نسبت براه آهن گفتند مطالبی است که آنچه دولت میبایستی یا صحیح بدهد ولی بنده

عزیز بنده هستند و فرمودند که من این مطلب را نگفتم من عرضی ندارم ولی آقای آزاد من خواستم عرض کنم که من از کسانی هستم که با مرحوم میر سید محمد کرمی هم حزب بودیم پدر بزرگوار آقای دکتر متین دقتری مرحوم عین الملک بود همین آقای تقی زاده هم بودند این آقایان همه بودند بلی آقای آزاد بنده دیکتاتور نیستم خوی دیکتاتوری را هم ندارم میل دیکتاتوری را هم ندارم، خوی دیکتاتوری را کسانی دارند که روی حیوانات هم برانیک میکنند و گریه را دار می زنند نه بنده

**رئیس** - آقای مهندس هدایت  
**مهندس خسرو هدایت** - آقای آزاد فرمودند که بنده چهل نفر مستخدم مخصوص در راه آهن درست کرده ام (بعضی از نمایندگان -

عزیز بنده هستند و فرمودند که من این مطلب را نگفتم من عرضی ندارم ولی آقای آزاد من خواستم عرض کنم که من از کسانی هستم که با مرحوم میر سید محمد کرمی هم حزب بودیم پدر بزرگوار آقای دکتر متین دقتری مرحوم عین الملک بود همین آقای تقی زاده هم بودند این آقایان همه بودند بلی آقای آزاد بنده دیکتاتور نیستم خوی دیکتاتوری را هم ندارم میل دیکتاتوری را هم ندارم، خوی دیکتاتوری را کسانی دارند که روی حیوانات هم برانیک میکنند و گریه را دار می زنند نه بنده

**رئیس** - آقای مهندس هدایت  
**مهندس خسرو هدایت** - آقای آزاد فرمودند که بنده چهل نفر مستخدم مخصوص در راه آهن درست کرده ام (بعضی از نمایندگان -

عزیز بنده هستند و فرمودند که من این مطلب را نگفتم من عرضی ندارم ولی آقای آزاد من خواستم عرض کنم که من از کسانی هستم که با مرحوم میر سید محمد کرمی هم حزب بودیم پدر بزرگوار آقای دکتر متین دقتری مرحوم عین الملک بود همین آقای تقی زاده هم بودند این آقایان همه بودند بلی آقای آزاد بنده دیکتاتور نیستم خوی دیکتاتوری را هم ندارم میل دیکتاتوری را هم ندارم، خوی دیکتاتوری را کسانی دارند که روی حیوانات هم برانیک میکنند و گریه را دار می زنند نه بنده

**رئیس** - آقای مهندس هدایت  
**مهندس خسرو هدایت** - آقای آزاد فرمودند که بنده چهل نفر مستخدم مخصوص در راه آهن درست کرده ام (بعضی از نمایندگان -

میخواهم این را آقای آزاد عرض کنم کسانی که این اطلاعات را آقای آزاد داده اند مسلماً کسانی بوده اند که بیخواسنه اند آقای آزاد دست بیندازند و این امداد و اوقامی که آقای آزاد اینجا گفتند بهیچوجه نه وجود دارد و نه اصلاً از لحاظ بودجه صحیح است مثلاً گفتند که خرج هزینه جلسات هیئت مدیره فلان قدر هزار ریال است اصلاً جلسه هیئت مدیره خرج ندارد حتی آن چائی که می خورد حساب نمیشود مغایر حق را هم که گفتند برای رفتن نمایندگان بکرگان ۱۵۰ هزار ریال این ترن برای راه آهن صرفه داشته است برای این که بحساب وزارت جنگ بوده و جزء مخارج متفرقه وزارت جنگ بوده است و خیلی هم صرفه داشته است

**پیکر از نمایندگان** - آقای رئیس این مطالب چه ربطی به ۱۰۹ دارد  
**رئیس** - مربوط بخودشان است مختصر بفرمائید  
**محمد علی مسعودی** - آقای رئیس خودشان مواظب هستند  
**رئیس** - آقای مهندس هدایت اینها را البته خود دولت جواب خواهد داد آنچه مربوط بخودتان است جواب بدهید  
**مهندس مائودی** - این مطالب را باید دولت جواب بدهد اگر این شفرها صحیح نیست دولت باید جواب بگوید  
**رئیس** - آقای هدایت بفرمائید  
**مهندس خسرو هدایت** عرض کنم مطالب لازم را دولت پاسخ خواهد داد فقط آن قسمتی از مذاکرات را که بنده با آقای آزاد موافق هستم این است که میبایستی پس از خاتمه این مذاکرات دولت تقاضا بکنند که يك کمیسیون تعلق برود و رسیدگی بکنند (صحیح است) ولی یکمطلب را هم باید عرض کنم و آن این است که البته دیوان کفایت هست و رسیدگی میکند اگر صحیح بود (آزاد) بنده معذرت میخواهم) معذرت کافی نیست میبایستی دنیا ببانند که يك کسانی برخلاف واقع می آیند اینجا صحبت میکنند و میبایستی مجازات بشوند و اینرا هم آقای آزاد عرض کنم که بنده اصلاً مستعطف ندارم و اگر هم این طور باستحضار آقایان رسانده اند که بنده چهل نفر مستعطف دارم بنده مستعطفی ندارم احتیاج هم به مستعطف ندارم و يك کسی هم نیست مورد حماه باشم که مستعطف لازم داشته باشم (آزاد) بنده نگفتم که شما مستعطف دارید بنده گفتم چهل نفر هستند که باسم شما گذاشته اند (بنده عرض کردم که مستعطفی ندارم اگر اشاره میکنید که همکاری دارم آنها را که بامن همکاری میکنند چهل نفر نیستند آنها هفتاد و پنج هزار نفرند

**رئیس** - دو فقره پیشنهاد رسیده یکی راجع به تبصره چهار لایحه دولت است راجع بیکصد و دهم حالا باین که بکنده ای نوشته اند بمجلس عقیده دارم آقایان تأمل کنند تا این تمام بشود بعد در جلسه آینده موضوع مطرح میشود  
**معاون وزارت راه** (آقای سعیدی) - چون قسمت عده مطالبی که آقای آزاد در ضمن استیضاح فرمودند راجع بوزارت راه بود ناچارم يك توضیحاتی عرض کنم وزارت راه دو تا گرفتاری دارد یکی

**رئیس** - دو فقره پیشنهاد رسیده یکی راجع به تبصره چهار لایحه دولت است راجع بیکصد و دهم حالا باین که بکنده ای نوشته اند بمجلس عقیده دارم آقایان تأمل کنند تا این تمام بشود بعد در جلسه آینده موضوع مطرح میشود  
**معاون وزارت راه** (آقای سعیدی) - چون قسمت عده مطالبی که آقای آزاد در ضمن استیضاح فرمودند راجع بوزارت راه بود ناچارم يك توضیحاتی عرض کنم وزارت راه دو تا گرفتاری دارد یکی

**رئیس** - دو فقره پیشنهاد رسیده یکی راجع به تبصره چهار لایحه دولت است راجع بیکصد و دهم حالا باین که بکنده ای نوشته اند بمجلس عقیده دارم آقایان تأمل کنند تا این تمام بشود بعد در جلسه آینده موضوع مطرح میشود  
**معاون وزارت راه** (آقای سعیدی) - چون قسمت عده مطالبی که آقای آزاد در ضمن استیضاح فرمودند راجع بوزارت راه بود ناچارم يك توضیحاتی عرض کنم وزارت راه دو تا گرفتاری دارد یکی



اینکه دامنهٔ منش بقدری وسیع است که سرو کارش بانام افراد و طبقات این کشور است که اگر یک خطی، خطانی، خرابی درش مشهود شود همه کس او را می بیند و همه جا هم منعکس میشود از ماکو تا بندر عباس اگر کسی سافرت کند یا اتومبیلش در راه عیبی بکند این فوراً معلوم میشود ولی اگر در دستگاههای دیگری یک کسی خرابکاری کرد آنقدر مهشود نیست و اگر هم باشد مثل وزارت راه نیست این یک گرفتاری است یک گرفتاری دیگر این است که اساساً آقای آزاد نسبت بوزارت راه بی لطفند و بی مرحمتند. در موارد عیدیه هم اینجا معلوم شد دلیل این امر راه هم این طور که بنده تجسس کرده ام این است که آقای آزاد مرد شریف و باکی هستند ولی احساساتی و آن وقت یکمده مردم هستند در این ادارات دولتی که اینها با نارضاضی هستند یا کارشان اخلال کردن در کار دولت است اینها صاحب تاشام کارشان این است که در خانه آقایان نمایندگان بیایند و بر خلاف واقع یک مطالبی بمرض آقایان برسانند غالباً هم آقایان وقت در اطراف صحت این مطالب نمیکنند فقط این کاریکه اخیراً بنده دیدم و واقعاً مستحسن بود آقای مکی اجرا کردند در مسافرت بشمال چون خبر داده بودند که وزارت راه صد و پنجاه هزار تومان خرج پذیرائی کرده ایشان آمدند و تشریف آوردند بوزارت راه خیلی هم عصبانی بودند بنده هم نبودم سؤالی که کرده بودند رئیس دفتر توضیح داده بود همین اقدامی که شده بود برای مخارج پذیرائی و غیر از آن ارقام بود، ایشان آلان هم خودشان حاضرند تصدیق بفرمایند، وقتی که ملاحظه فرموده بودند رفته بودند تصدیق کرده بودند که این مطالبی که بمرضشان رسیده همه بیبورد است حالا اگر همه آقایان نمایندگان این رویه را پیش بگیرند بنظر بنده یک مقهاری از مسائل حل می شود، یعنی وقتی که یک مطلبی با آقایان عرض میشد اگر قبلاً با ادارات دولتی مراجعه میکردند تمام که قصد پوشیدن مطالب را ندارند و اگر هم با درونی میکردند سایرین تعقیب میکردند و آنوقت جریان را بمجلس مرض می کردند و دیگر محتاج باین گفتگوها نبود بهترین دلیل صحت عرایض بنده اینست که بنگاه راه آهن مطالبی را که آقای آزاد فرمودند در روزنامه اطلاعات جواب داده در این جواب هم بهیچوجه قصد این را نداشته که مطالب را کتمان بکند فقط ارقام را تصحیح کرده بود و ایشان هم استناد بهمین مطلب کردند - این نشان میدهد که این دستگاهها نمیخواهند مطالبی را پنهان کنند اگر چه چیزهای خلافی واقع شود، اجازه می خواهم که مرض کنم یک بیاناتی که آقای آزاد فرمودند در نقل بعضی مواد اولیه دستگاه وسیع و مرضی مثل راه آهن نمی شود منکر شد که توش یک ریخت و پاشا و یک کارهای خلاف قاعدهای نشود این در همه ادارات هست مگر آقای وزیر کشاورزی می توانند ادعا کنند که در تمام ادارات کشاورزی کارها بر طبق اصول و ترتیب انجام میشود همینطور در وزارت دادگستری، این خلاف اصول و مقررات البته هست و همه جا شده، ولی این یکمقداری از اخلاق عمومی است که نمی توانیم همه را جلو گیری کنیم ولی یک چیزی هست که هر وقت در یک جایی یک ریخت و پاشی یک کار خلاف مقررات

بشود متصدیان امر با نهایت جدیت خواسته اند جلو گیری بکنند همین الان که بنده حضور آقایان ایستاده ام آقای منصف شاهدند آقای امامی امیری هم همینطور که مدتی است من در صدمه و اقدام کرده ام که یک هیئتی از قضات عالی مقام دادگستری و نخست وزیر و حتی استعما کردم از مجلس بیک ترتیبی که بعداً بنده منطبقش میکنم با مقررات، اینها بیایند و وزارت راه را اصولاً رسیدگی بکنند، (صحیح است) این چیزها تنها در بنگاه راه آهن نیست در راههای هوسه هم هست بنابراین پیشنهادی که من کردم لازم بنظر میرسد آلان راجع براهها هم شکایات زیادی رسیده است (صحیح است) مانع می خواهم بگویم که خلافتی شده باشد است این حرف را بنده عرض نمی کنم ما می خواهم یک هیئت صالحی بیاید رسیدگی بکند و اعتباری که داده شده تطبیق بکنند با هزینه ها و اگر واقعاً خلافتی شده باشد مرتکب به اشتباه مجازات برسد (صحیح است احسن) دولت را نبیند استیضاح کرد برای اینکه چرا عمل خلافتی شده است؟ استیضاح را باید وقتی کرد که دولت عمل خلاف را تعقیب نکند ما هم که خواهیم کرد اینکار را بنده با حضور آقای وزیر و دادستان دیوان کبیر مطرح کردم و تقاضا کردم هیئتی را در نظر بگیرند و حالا آقایان ملاحظه خواهند فرمود که این هیئت وزارت راه را از ریشه و بن رسیدگی خواهد کرد که در آنجا چه کار شده است چون یکی از ادارات و مؤسسات فعاله مالک است و آنجاییکه از شمه های اقتصادی ملک است و باید در اطرافش رسیدگی شود چه در بنگاه راه آهن چه در وزارت راه آنجا راه می خواهم حضور آقایان عرض کنم که خیال آقایان از این بابت راحت باشد که بزودی این رسیدگیها خواهد شد، اگر مجلس هم مهل داشته باشد که در این قسمت رسیدگی بکنند چه مانعی خواهد داشت وجه بهتر که نهایت افتخار را ما خواهم داشت و مخصوصاً این استعما را دارم، حالا می خواهم راجع بدو سه موردی که خیلی برجسته بود راجع براه آهن توضیح بدهم اول عرض کنم که بنده هیچ قصد مدافعی ندارم، آنچه که بنظر آقایان خیلی مهم رسیده است که دیدم در بنگاه راه آهن (دکتر معظمی - از طرز اداره اش راضی هستی آقای سمیدی یا خیر؟) طرز اداره اش را یک قانونی هست که مطابق آن قانون اداره میشود و مادامی که این قانون هست بهمین ترتیب اداره میشود منتهی اگر خلافتی در اینکار بشود بنده می توانم این را مرض بکنم که هیئت مدیره بایش ریسه اینجا آنقدرها که تصور میشود نظر ندارد، مثل همان مؤسسات عمومی است و با همان مقرراتی که مشمول حال همه مأمورین دولت میشود، ولی در آنجا اشاره شده که یک اداره و دستگاهی بنام آگاهی هست مثل آن بساط سیاست بازی که اگر یک وقتی برقرار شد حالا هم برقرار باشد این را می خواهم عرض کنم حضور آقایان که اینطور نیست، اداره آگاهی که اشاره شد یک قسمتی است جزو پلیس یاسانی راه آهن و این قسمت هم مهندسان رسیدگی بسرقتها و خلافتهاست که اینک همین گزارش آخر همین اداره آگاهی که از طرف اداره یاسانی راه آهن بن رسیده و ممکن است آقایان ملاحظه بفرمایند همایش عبارت از کشف جرائمی است که در قطار اتفاق می افتد، این تشکیلات

آگاهی فقط برای همین است نه برای مقاصد سیاسی ممکن هم هست که مقاصدی باشد این اطمینان را با آقایان میدهم که مادامی که بنده در آنجا هستم بهیچوجه اجازه نمیدهم که هیچ نوع عمل سیاسی در راه آهن صورت بگیرد (صحیح است) (مهندس دماوندی - اینکه خیلی میشود، الان هم میشود) الان نمیشود آقا (مهندس دماوندی - الان بفرمائید بکنمده را برداریم برویم) در هر موردی بنده حاضر هم مطالبی که تذکر داده شده با دلایل و قرائن (دماوندی - الان خودتان باشوید برویم) (امامی امیری - این مربوط بایشان نیست مربوط بقانون راه آهن است این مربوط بخودتان است) (آزاد - آگاهی هست) بله هست، بنده عرض کردم در صدد کتمان هیچ قضیه ای نیستیم همانطور که خود بنگاه راه آهن اعلامیه داد و آنچه که حقیقت امر بود نوشت منتهی بنده می خواهم این مطلب را عرض کنم چطور میشود در یک دستگاهی که نود میلیون تومان بقول خودتان بودجه دارد این پنجاه هزار تومان خرج پذیرائی و تشریفات روزنامه نویسی ها و کلابی مجلس و این چیزها را با این آوردن و مسائل را کوچک کردن جز این که کارها را فلج کند فایده دیگری ندارد، راجع براه آهن مطالب اساسی و حیاتی و مهمی است که بایشان بمرض آقایان برسانم و هیچ توجهی نمی شود، این راه آهن مثل یک بنائی میباشد که اصلاً از پایه و بن خراب است، دو ماه دیگر راه آهن اصلاً وجود خارجی نخواهد داشت این را بمرض آقایان برسانم دلیلش هم واضح و روشن است این راه آهن در ظرف ۶ سال گذشته یکدینار برایش انانیه خریده نشده - آنهم راه آهنی که تاسیخ و میخس را باید از خارج بیآورند، آن یک دینار دلاری که باید باو بدهند نداده اند (مکی - خریده شده است) راست است آقای مکی که خریداری شده است ولی شما اگر یک اتومبیلی بخرید برای سواری این بعد از ۶ ماه محتاج تعمیر است و هزار رسیدگی میشود، اگر همین رسیدگی را نکنید بعد از یکسال این از بین خواهد رفت - یکی از کارهایی که شده و افتخار میکنم که این در زمان بنده شد و در همین مجلس نسبت بخرید آن اعتراض شد یعنی خرید لوازم راه آهن بود که اگر همین لوازم را ما آنوقت نخریدیم بودیم الان راه آهن از بین رفته بود ولی حالا اگر در طرز نحوه خرید سختی و اعتراضی باشد مربوط باصل خرید نیست (رضوی شیرازی - بلی در کیفیت خرید بحث است والا در اصل خرید که حرفی نیست) اگر این خریدها نشده بود الان هم راه آهن از بین رفته بود و این یک اهلام خطری است که بنده میکنم که باین لوازم اگر تادوماه دیگر توجهی نشود اساس اقتصادی ملک باین ترتیبی که هست از کار خواهد افتاد - و اما مطالبات ما، ما یک مطالباتی از متفقین داریم دربارهٔ این مطالبات یک حسابهای خیلی دقیقی شده است علاوه بر اینکه ما خودمان رسیدگی کردیم یک اداره بیطرفی راهم در اتانزونی مأمور رسیدگی باین ارقام نمودیم ارقامی که ما دادند تقریباً مشابه آن ارقامی بود که ما خواستند بدهند این مطلب یکدنده از طرف وزیر وقت در مجلس گفتگو شد

مورد تصدیق و تصویب دو کمیسیون راه و کمیسیون بودجه قرار گرفت در مجلس هم هست قرار بود در آخر کابینه آقای حکیم الملک این کار عملی بشود و بنده بشود بانظار گرفتن آنها الان راه آهن هیچ خریدی نکرده و همانطور که عرض کردم دو مرتبه هم مرض میکنم که راه آهن در شدید ترین وضعی است که تصور بفرمائید برای اینکه چیزهایی را که لازم داریم خریداری نشده است و این را استعما میکنم از آقایان برای این که این مسئله در ضمن حسابهای سیاسی دیگری متوقف نشاند و این جا مورد توجه مخصوص باید باشد - اگر لازم است که یک کمیسیونی رسیدگی بکند این را در دور از جریان کار دولت و سیاست رسیدگی بکنند جز اینکه این پولها گرفته شود و برای راه آهن اوازه خریداری شود چاره دیگری بنظر دولت نیفتد و چون بودجه اجازه نمیدهد اینجا اشاره شد که سیصد هزار لیره هم از آن محل گرفته شده است این را بایستی حضور آقایان عرض کنم که نه سیصد هزار لیره، هزار لیره، سیصد لیره، سه لیره و نه یک لیره هم داده نشده طبق تعقیباتی که کردم آلان در آلمان دو انبار بیشتر از نوازمی که ما قبلاً خریده بودیم موجود است خوشبختانه اینها از آسیب جنگ هم مصون مانده و برای حمل اینها یک هیئتی رفته است آنجا که اینها را حمل بکنند رسیدگی کرده است و جمع آوری کرده است حقیقت امر اینست که الان مدتی است که بواسطه این گفتگوها و این وعظنها این بدینتی هائی که نسبت براه آهن هست (و عرض میکنم که یک ششمش هم ممکن است درست باشد ولی اساس کار غیر از آن جریان ظاهری است) ما جرئت نکردیم که این عمل را بکنیم برای اینکه ما الان هشت هزار لیره می خواهم بفرستیم که این دو انبار را تحویل بگیریم و میگویند که در آنجا هم خواسته اند حیف و میل بکنند استعدای من از حضور آقایان این است که عمل سیاست و دولت را از عمل قسری باید جدا کرد و این را در اینجا باید صریحاً عرض کنم که مأمورین قسری راه آهن بخوبی انجام وظیفه می کنند (صحیح است) و اما مطلب ۸ میلیون تومان را که فرمودند این همان قسمتی است که در روزنامه اطلاعات هم توضیح داده ام و ممکن است حضور آقایان راجع بآن ۸ میلیون تومان بازم توضیح عرض کنم آقایان بودجه راه آهن دو یک هیئت نظارتی که دو نفر از مأمورین عالی رتبه وزارت تارائی هم هستند آنجا همیشه رسیدگی می شود آنوقت تصویب میشود و به تصویب هیئت وزراء هم میرسد از تصویب هیئت دولت (آزاد - آن تراورس ها را هم بفرمائید) حالا میرسیم اولاً باید بنده عرض کنم که بنده بهیچوجه قصد دفاع از راه آهن را ندارم این را استعما میکنم آقایان در نظر داشته باشند که آنچه بنده عرض میکنم حقایقی است و بعد هر کدام از آقایان که تشریف بیآورند با ارقام و عدد نشان میدهم راجع بتراورس هم که فرمودند - تراورس چیزی است که بعد از چند سال که ماند بوسیده میشود از بین میرود تحقیق بفرمائید در ظرف چند سال که راه آهن دایر است چقدر تراورس خریده شده فقط در سال گذشته بود که سیصد هزار تراورس خریده اند در خرید تراورس و ضرورت و لزومش هیچ جای تردیدی نیست آلان هم مرض

میکم که اگر باز شنیدید یک میلیون تراورس تهیه شد هیچ تعجب نفرمائید (آزاد - ولی از کی خریده شود) راه آهن که بی تراورس نمیتواند باشد تراورس ضرورت دارد (دماوندی - آقای سمیدی تراورس ۱۲ تومان را ۲۲ تومان میخرد) حالا راجع باین موضوع هم اجازه بفرمائید این هیئتی را که می خواهم ببریم وزارت راه برای چه می خواهم ببریم؟ برای رسیدگی بهمین امور است که ببینند این پول درست داده شده است یا نه؟ آخر این یک راهی داشته پیش خود که نخریده اند آن هیئت وقتی آمد رسیدگی خواهد کرد ولی راجع باصل تراورس می خواهم عرض کنم که این چیزی نبود که بشود خریداری نکرد (مهندس رضوی - پس چرا از کارخانه اشباع تراورس ۵ تومان مطالبه میکنند در صورتیکه این قیمت خیلی زیاد است - با حسابهای دقیقی که ما کرده ایم هر تراورس بین ۲ تومان الی ۲۵ ریال باید باشد ولی دستگاه بانک صنعتی می خواهد که همه مهندسی را با حقوقهایی که باید بدهد با یک کارخانه تعویل کند و در نتیجه قیمت بالا خواهد رفت هر وقت که حاضر شدند بهمین قیمت قبول کنند با کمال میل ما هم خواهیم داد (مهندس رضوی - اشباع تراورس در دوامش خیلی مؤثر است بهر صورت باید از این کارخانه استفاده شود) بطور کلی همانطور که حضور آقایان مرض کردم با اساس کار راه آهن باید توجه مخصوص بشود این قضیه حساب متفقین را زودتر رسیدگی بفرمائید (یکی از نمایندگان - آقا بیرونده را بیآورید) رسیدگی بفرمائید و دست و بال دولت را باز بفرمائید و اجازه بدهید که یک خریدهایی برای راه آهن بشود و زودتر هم بشود که راه آهن را بصورتی در بیآوریم که قابل استفاده باشد (یکی از نمایندگان - ۸ میلیون راهم بفرمائید) مرض میکنم بودجه راه آهن یک چنین رقمی در آن هست که آقای معاون وزارت دارائی اینجا هستند (دکتر بقائی - چرا نمیفرستید یک کمیسیون بودجه یک سال و نیم است این را خواسته ایم) (ارباب - ایشان تازه آمده اند)

**دکتر بقائی** - آنچه حرفی است که ایشان تازه آمده اند اینک جواب نشد

**رئیس** - آقای دکتر بقائی ساکت باشید

**مهندس ارباب** - ایشان وارث وضع قبلی راه آهن اند

**رئیس** - آقای ارباب شمام ساکت باشید

**دکتر بقائی** - پس این بنگاه راه آهن صاحب ندارد (زنک رئیس)

**معاون وزارت راه** - چون من بوطیور تصدی بنده میشد گفتند اینجا رئیس ناحیه راه آهن شمال را که ارتباط داشته است با جناب آقای وزیر بنده اینجا اطمینان میدهم که با وضعی که این مطلب اینجا اظهار شد اصلاً ایشان از این انتصاب اطلاعی نداشتند رئیس ناحیه راه آهن شمال از بهترین مهندسی راه آهن بودند که مدتهاست در اروپا تحصیل کرده وقتی هم که آمد پس از یک هفته هایی بود که هر کدام از آقایان بخواهند ممکن است با آنها توضیح داده شود بنده بود که یک تئیراتی در آنجا داده شود این را هم بردند

آنجا و رئیس راه آهن شمال شد بطوریکه اغلب آقایان دیدند لباس کار می پوشد و در کارخانه مشغول تعمیر لکوموتیو است بنا بر این این مطلب را می خواهم خدمت آقایان عرض کرده باشم که دیگر هیچگونه قابل تردید نباشد و مسلماً هیچگونه تفسیر خصوصی افعال نشده است مهندسین راه آهن از هر حیث قابل تمجید و تحسین و تریف هستند (صحیح است) برای اینکه با این انانیه فرسوده و اکثانی که واقفاً قابل کار کردن نیستند باید اکثر مساعی دارنده رکنش میدهند و حداکثر استفاده را از آن مینمایند و من ناگزیرم اینجا که از هیئت مهندسی راه آهن سیاستگزاری کنم

**مهندس دماوندی** - حکایت مهندسی راه آهن نیست خودتان هم میدانید که جریان از چه قرار است از این شاخ به آن شاخ پیرین فایده ای ندارد

**فولادوند** - آقا حرف نزنید اینقدر

**رئیس** - بین الانتین صحبت نکنید

**دکتر معظمی** - یک طرحی تقدیم شده بود راجع بهمین جریان

**رئیس** - بله بیهوده از مذاکرات موکول میشود آقای نخست وزیر

**نخست وزیر** - البته دولت اعتقاد راسخ دارد که استیضاح یکی از قوائم حکومت مشروطه و یکی از اصول قانون اساسی است لیکن بطوریکه یکبار دیگر نیز اشاره کردم در این دولت طرح استیضاح گویا بنوع خاصی مقرر یا مقرر شده است که بیایم مثل باران میبارد در این اواخر یکی از آشنایان پرسید دولت شما چه میکند؟ گفتیم میگویند مردی از طهران دنبال کسب و کار بمعمره رفت و چندی در آنجا ماند وقتی که برگشت از او پرسیدند معمره چه میکردی؟ جواب داد عرق میگردم حالا من هم باید بگویم دولت من با استیضاح جواب میدهد، دوست من کمی تأمل ضرر و گفت اگر شما هم مثل همان مرد طهرانی که بمعمره رفته بود عرق میگردید حاجت نبود که مدام جواب استیضاح بدهید، گفتیم مقصود را ملتفت نمی شوم، گفت می خواهم بگویم که مثلاً اگر یک وزیر یا یک معاون یا یک شهردار عرق میگرد استیضاحات کمتر میشد چنانکه اگر آقای ابتهاج هم در باب عوض کردن رئیس بانک ملی سبزواریطور دیگر عمل میکرد، در این استیضاح اخیر شما مورد اسناد ناروا واقع میشد گفتیم هر چه بود گذشته و حالا هم دیگر تابستان تمام شده و فصل عرق سر آمده است و از طرف دیگر حاصل بدنی چهار ماهه اخیر من را چندتر و چابکتر کرده و باین ترتیب مرا برای جواب استیضاح آماده تر نموده است

غرض از ذکر این مقدمه بهیچوجه این نبود که تقاضا کنم نمایندگان محترم تا این درجه در طرح استیضاحات بیایی تعجیل نفرمائید بلکه مقصود این بود که بطور کلی در هر بار اندکی هم نظر دقت و تأمل خود را بقهقری بر گردانند و وضع دستگاه دولت را در ادوار مختلف از منظر دیگران ندانند اگر معلوم شود که قبل از تشکیل این دولت تمام قوانین در مجرای خود سر میگرد و عمل و افعال کامل در مملکت شمول داشته است البته امروز هم بر سر امری ولو خیلی جزئی فوراً از دولت استیضاح کنند



دولت را براندازند ولو اینکه بقول خسرو انوشیروان بر سر گرفتن نمک از دهقان باشد. اما اگر چنین نبوده است ناچار باید انصاف داد که اصلاح امور مملکت بیشتر موقوف به ثبات و پایداری و حوصله و تدبیر و اصرار و پافشاری است تا بدولت ساختن و دولت برانداختن و در این خصوص حق کلام را بسیاری از آقایان نمایندگان و منجمله آقای دکتر شفق مکرر ادا کرده اند و بر آنچه آقایان که خود صاحب خانه اند با احاطه و بصیرت کامل در این خصوص فرموده اند بند چیزی نمیتوانم بیفزایم. اما قطع نظر از اینکه دولت بماند یا برود باید عرض کنم که در حکومت های مشروطه وجود یک اقلیت صالح و وزیر یک بمنزله بر فکری است که دستگاه حکومت را از صافه مصون میدارد. لیکن با همه شای که در دنیا برای اقلیت قائل شده اند دو نکته نیز در همه جا ثابت و معزز است یکی اینکه انقاد و ایراد تاحدی دنبال شود که اساساً مجالی برای عمل و اقدام بجهت دولت باقی بماند و دیگر آنکه تصمصیم اکثریت همواره معترم و لازم الرعایه باشد و حال آنکه رسم مشروطیت ایران بر این شده است که در نزد همه معدودی در خارج مجلس بسکونی و ناسزا در ضمن اعمال افراط شخصی سر لوجه اصول وطن پرستی باشد (صحیح است) و در مجلس فرط ایراد و اعتراض چند تن مجال عمل بدولت نهد و چه بسا اوقات که خروج یک تن از جلسه مجلس وجود صحت هفتاد نفر را عاقل سازد (صحیح است) و کارها را لنگ و فلج کند (صحیح است) و فریاد شکایت و حتی ناله اکثریت را چنانکه بقدمت واقع شده است بی اثر گذارد و باین وصف چنانکه مشهود شد کافی است که عده قلیلی با هم همدستان شوند و ما هم مجلس شورای ملی را عملاً تعطیل نمایند و کار را بجائی برسانند که حاصل عمل مجلس را در ظرف ۱۵ ماه بتصویب برنامه چند دولت و سیزده دوازدهم بودجه غیر مصوب و چند استیضاح منصرف کنند و متعاقب این وضع نیز آقای عبدالقدیر آزاد باستناد این تعطیل مصنوعی دولت را بکناره گیری دعوت نماید باین ترتیب مسلم است که در ایران حکومت مشروطه قلب ماهیت کرده است زیرا که حکومت مشروطه یعنی حکومت اکثریت و حال آنکه باین صورت در حکومت مشروطه ایران اختیار واقعی کار بدست عده بسیار معدودی میافتد و میل آنها بسایرین تحمیل میشود و رخنه مهلکی که از این راه در ارکان مشروطیت و بالطبع در ارکان استقرار اوضاع مملکت بهم میرسد بدرجه ای بسط پیدا میکند که بوسیله استفای یک وزیر یا سکنانه گیری یک دولت سد نمیشود بلکه این دور تسلسل میافتد تا جایی که خدای نا کرده دیگر علاج پذیر نباشد بنابراین هر گاه مجلس شورای ملی بطریق قانونی هر چه زودتر این اختیارات مطلق نامرئی را از این عده معدود خارج مجلس سلب کند و با اکثریت که صاحب حقیقی آن است برگرداند هم تعطیل کارها از میان می رود هم دولت ها میتوانند بوظایف خود قیام نمایند و اگر در هر مملکتی که چند تن بتوانند به لغو خود چرخهای دستگاه مشروطیت را کند و تود کند و بیج و مهره آنرا عقب و جلو ببرند و اصل و فرع آن را در صندوق سینه خودشان محفوظ بدارند و خود خادم و متولی آن بشوند همه مستنات و مزایای

آنرا وقف خود بخوانند و مردم بیچاره را مدام از دیکتاتوری مفقود ناراحت کنند و باین بهانه تگنارند نغی دیکتاتوری نامرئی خودشان که سیاه ترین انواع دیکتاتوری است در کام مردم اثر خود را بیخشداز مشروطیت جز اسم چیزی نمی ماند (صحیح است) و در این راه جز فنا و زوال پایانی بنظر نمیرسد (صحیح است) و باین توضیحات چنانکه در نظر مردم مشهود است برخلاف آنچه آقای عبدالقدیر آزاد در استیضاح خود گفتند نه تنها دولت در ظرف این چهار ماه هیچ گونه اقدامی نکرده است که برخلاف اصول مشروطیت باشد و حتی با همه اقدامات ناروایی که یک عده معدود بنا بر فرض خاص کردند دولت تا سکنون جز برای مدارا و افراط نرفت تا آنجا که بسیاری از مردم این درجه از ارفاق را زیاد و موجب تجری مفسدین دانستند (صحیح است) اما برانداختن دولت قانونی و برقراری دولتی که بدخواه آنها عمل کند همواره آرزوی کسانی بوده و هست که در زیر نقاب مشروطه خواهی و آزادی طلبی مدتی است تیشه بریشه مشروطیت میزنند و برای قوای ثلاثه مملکت آزادی رای و اختیار قانونی قائل نیستند (صحیح است) و در کلیه تصمصیمات آنها بطریق مختلف مذاخه می کنند (صحیح است) و سعی دارند که باین هباه و اغلال نظم نظر خودشان را بر آنها تحمیل کنند و از همه بالاتر مقام سلطنت را نیز که در رأس کلیه قوای مملکت و از مسئولیت میراواز معارضه مصون است انگشتر گردان خود میخوانند و با آنکه فردی هادی بیش نیستند و هیچگاه هم مصدر خدمت مهم مملکتی نبوده اند چنانکه خودشان باشخاص مختلف و من جمله بدهای از نمایندگان مجلس شورای ملی علنا گفته اند تو قمشان این است که هیچ دولتی بر سر کار نیاید و اگر آمد نمایند مگر اینکه در هبه آنها خاکسار باشد و هم چنین مجلس شورای ملی بهیچ دولتی رای اعتماد نهد و کار هیچ دولتی را نگیرد مگر اینکه قبلاً رضای آنها را جلب کرده باشد اما اگر روزی پیش بیاید چنانکه اکنون بیش آمده است که دولتی بخواند فقط برای اکثریت مجلس شورای ملی و بامر اهلیحضرت همایون شاهنشاهی وظایف خود را انجام بدهد و توقعات این اشخاص را اصلاح نشود و جلوی مداخلات آنها را بگیرد این اشخاص آنچه از پیرو استاد آموخته اند بکار میبرند تا چنین دولتی را اگر از یولاد هم باشد ذوب کنند و حتی المقدور اشکال در کارش فراهم آورند تا ناچار باستعفا شود و در نتیجه آنها باز وضع گذشته را احیا کرده دستگاه حکومت را باز بر چه خود سازند و بر سر مراد سوار شده دلی از عزا در آورند و نسبت بخود جبران مافات را بکنند. این است جوهر همه اشکالات و مخالفت هایی که در عرض چهار ماه گذشته این عده معدود از راه های مختلف در کار این دولت پیش آورده اند و حال آنکه اینجانب از بدو امر تا اکنون همواره معتقد بوده ام که باید هر چه زودتر کاری کرد که اختیارات در دستگاه حکومت جمع شود و هر یک در جای خود قرار گیرد و بموامل خارج مجال هیچگونه مذاخه و اعمال نظر داده نشود و حکومت بتواند بیطرفانه مرکز احقاق حق و عامل جلوگیری از تخلفی و تجاوز طبقات مختلف مردم و ایجاد وسایل آسایش و رفاه عامه و ترقی مملکت باشد و امیدوارم که مجلس شورای ملی

بیز با این نظر موافقت کامل داشته باشد و چون تصمصیم قطعی و قانونی با اکثریت مجلس شورای ملی است تقاضا دارم با توجه بتوضیحاتی که داده میشود نظر خود را در باب مسائل مورد استیضاح روشن فرمایند بنحوی که در آن واحد جواب لایقی هم بداخلات بیوجه مدعیان خارج مجلس در مطالبی که قانوناً از وظایف آنها خارج است داده شده باشد بعد از این کلیات اکنون باید بپردازیم بوضوح استیضاح و بیانات آقای آزاد که استیضاح کرده اند و در این خصوص باید عرض کنم که این هر دو مطلب بصورتی است که موجب کمال حیرت و تعجب میباشد زیرا که ملایق و تنافض و مخالف منطقی و حقیقت و سابقه عمل است و تنها مطلبی که در تمام رشته های مختلف استیضاح قدر مشترک آنها محسوب میشد یک جمله بود که آقای آزاد در ضمن بیانات خودشان گفتند و آن این بود که « من پدر همه موجهها هستم » (فولادوند - آفرین) وقتی من این جمله را شنیدم و حساب کار خود را کردم پیش خود گفتم من که با مومنی بقوت بر نیایم ای عجب با کسی افتاده ام کو بگسلد زنجیر را اما بعد معلوم شد که خوشبختانه نه آقای آزاد علی الظاهر خیلی هم بمن مهر نیستند زیرا که در خلال بیانات خودشان جهد کردند درس عقل بمن بدهند و برای من صلاح اندیشی هم کردند و البته اگر این صلاح اندیشی از روی صدق بوده است باید از خداوند بخوام که وجود ایشان را برای من و برای مملکت حفظ نماید از جمله صلاح اندیشی هایی که برای من کردند این بود که دستور دادند جوابی که بدهم نباید از قبیل جوابی باشد که ملا در باب رسد بنا بر مسائل داده شده برای خاطر اینکه راحت باشند آقایان سعی کردم هرایش خودم را بنویسم ولی تا اینجایش بیشتر نرسید، خوب حالا می گویم. گفتند که از ملا پرسیدند وسط زمین کجاست؟ گفت همانجایی که من میخ طویله الاغم را کوفته ام و ایشان گفتند که دولت های ما همیشه همین طور جواب می دهند و الله بنده که جز این نمی توانم جواب بدهم و اگر دولتی هم پیدا شود که غیر از این جواب بدهد باید گفت حقیقت نگفته است. آن روزیکه این شخص مضحکه و مسخره بود هنوز بکرویت زمین قائل نبودند امروز چه آنجا که ملا میخ طویله اش را کوبیده، چه اینجا که بنده هستم، چه آنجا که آقا نشسته اند چه آنجائی که فلان آقا انومیلیش را گذاشته همانجا مرکز زمین است. همانجا وسط دنیا است هر چه متر کنند غیر از این نیست. متر کردن مشک است، صحیح است، اما بدلیل عقل صحیح است که هر کس هر جا هست همانجا وسط زمین است، بنا بر این هر جواب منطقی و استدلالی که بنده بخوام به آقایان بدهم از این خارج نیست، حالا ایشان اگر یک استیضاح غیر معمول کردند و جواب غیر معمول بخوانند از بنده نمی آید. یک مطلب دیگریکه آقای آزاد فرمودند این بود که بیبهری آقای قوام السلطنه بجائی رسید که من آمدم اینجا استیضاح کردم (آزاد استیضاح میشود که بیبهری یک رئیس دولتی موجب می شود که ایشان اعلام جرم بکنند، بنهم اعلام جرم کردند بنا بر این مبتدای یک چنین اعلام جرمی ممنوع است، اما حالا در باب این استیضاح، این یکجای تازماری

است در مشروطیت های دنیا، استیضاح که میکنند در موردی است که نقضی از قوانین بنظر یکی از نمایندگان برسد البته در صورتی که نقضی از طرف خود وزیر باشد و مسئولش خودش باشد آقای آزاد یک دفعه استیضاح می دهند بعد آن رایس میگیرند فی الفور یکی دیگر می دهند، خوب - بعد چهار ماده استیضاح می دهند وقتی مطلب مطرح میشود چیز هایی می گویند که اصلاً ارتباطی باین استیضاح ندارد. و آنچه که در باب استیضاح هست، اصلاً یکی دو تارا کان ام یکن فرض می کنند و یکی دو تارا هم می گویند. حالا بنده نمی خواهم وارد این بحث قضائی بشوم که آیا استیضاحی میشود داد و در موقع طرح مطلب یک چیزهای دیگر گفت یا نمی شود، بنده شخصاً خیال می کنم نمیشود چون استیضاح یعنی یکماه وقت معین کرده اند که دولت مورد استیضاح برود ارقام، شواهد، مدارک و دلایل خودش را جمع آوری بکنند و بیاید جواب بدهد. خوب، اگر بنا باشد که بعد از این عمل باینصورت در بیاید، یعنی بصورت گول زدن و فریب، یک کسی یک استیضاحی می دهد می گویند که قد مزیر یک ممبر و هفتاد سائیم تراست من اعتراض دارم بنده هم می آیم جواب بدهم و بگویم آقا اندازه بگیرد نیست آرزو که بنده می آیم جواب بدهم در باب قد بنده صحبت نیست، در باب رخت بنده است، در باب وزن بنده است خوب بنده سندی ندارم که جواب بدهم نتیجه این میشود که استیضاح کننده حرفهایش را میزند و دولت که میخواهد جواب بدهد مدارک و دلایلی ندارد و محکوم است. حالا بنده این را کار ندارم این مطلبی است بجای خودش، اگر آقای آزاد عقیده این را بر این است که استیضاح یعنی دولت را بیآوریم پای مجاکه و هر چه که از زیر استاد بلد بودند گفتند، اصلاً چرا استیضاح اولشان را پس گرفتند؟ خوب، ایشان که استیضاح کرده بودند، مواعظ هم رسیده بود ما هم که می آمدیم اینجا همینها را می گفتند، پس خودشان هم عقیده دارند که نمیشود یک ماده را وقت و در سایر مواد صحبت کرد. (بنا بر آنچه قبلاً - بقیه تذکر بود) حالا آمده اند در باب این مطالب استیضاح کرده اند بنده هم از آن کسانی نیستم که در مقابل استیضاح آقا در بروم، یعنی نتوانم جواب بدهم، هر چه از چیزهایی که گفتند جزء استیضاحشان نبود ولی در نتیجه هم جواب بدهم. حالا که نایب است جواب بدهم آخر آقا لااقل باید موارد استیضاح مرتبط بن و ایندولت، یا اگر میخواهد مربوط باین دولت باشد مربوط بشخص من و همکاران من باشد. آنهم که نیست، بنده جواب چه را بدهم؟ مطالب استیضاح آقا چه بود؟ قانون اساسی تشریفاتی بیش نیست، انتخاب مستخدمین دولت بسمت نماینده مجلس مطلوب طبع آقای آزاد نیست نمایندگان مجلس نباید در فکر آینده خود باشند چنانکه آقای آزاد خودشان هم در فکر انتخاب تشریفات است امام مجلس شورای ملی که بقول معروف از نیست بهست آمده قانون اساسی است این صاحب اختیارات است بنده آرزو که ایشان این مطالب را میکنند بعد در روزنامه ما یعنی روزنامه صبحان مراجعه کردم و مطلبی که از قول ایشان نوشته بودند دیدم حقیقت ندارد آنها را سکنار گذاشتم از جمله حرف هایی که ایشان زده بودند این بود که

همه بازید وزید با عمرو مکاتبه کردند، در شهر یور ۱۳۲۰ از مرکز اجازه داده شده است که صاحبین بیان بهرینه بکسب مهمان شرکت نفت ایران و انگلیس باشند. تغییر امتیاز داری که در سال ۱۳۱۲ اتفاق افتاده است بضرر دولت ایران بوده و دولتها در ظرف سنوات هفده حق دولت را از شرکت نخواسته اند از چند سال قبل یکدسته قاجا قچی مشغول قاجاق جنس از کمران بوده اند. اگر کسی بارتش ناسزا بگوید همه باو میبرند اما اگر بسایرین ناسزا بگویند کسی با آنها کار ندارد. اینها همه استیضاح بنده است. اینها همه بجا، لااقل در مملکت ما اتفاق افتاده، یکماه قبل حکومت بین النهرین حکومت نظامی را اعلام کرده است، دیگر از این بالاتر هست؟ اینها همه تقصیر بنده است؟ (خنده نمایندگان) اینها که مثال گذشته، اما آئینده، دولت وزیر میخواهد بوسیله ایجاد فعلی مصنوعی و اختناق مطبوعات آزادی و مشروطیت را از بین ببرد، اینهم استیضاح قبل از وقوع، آن مال گذشته اینهم مال آئینده، خوب، فقط کاری که ممکن بود مورد ایراد ایشان واقع نشود اینجا ذکر نکردند چون بنده هر چه فکر میکنم جز این چند مطلبی که اینجا یادداشت کردم چیز دیگری نبود که عرض کنم جز در مورد ارز که آن البته مربوط بخود بنده است آنهم که یکمرتبه استیضاح شد و ۹۳ رأی دادند دیگر چه میفرمائید؟ یکمرتبه که صحبت شده است چرا باز دوباره جواب بدهم والا اگر این جور است مثلی است معروف که میگویند سفره را که پهن کنید هر روز نان و پنیر هست، حالا بنده هم هر روز استیضاح دارم و هر روز راجع به ارز، ما که پشت دستمان را داغ کردیم که دیگر کاری برای مملکت نکنیم حالا چون همان یک کار را کردیم می باید جواب بدهیم آنکه یکدفعه مطرح شد و جواب هم دادیم و مجلس هم رأی داد (دکتر طایب - مجلس رأی سکوت داد) بنابراین آنچه که بنده می بینم اگر این مطالبی که ایشان گفتند و موردی هم برای استیضاح بود، همین ارز است والا بقیه را باید از دولتهای گذشته استیضاح بفرمائید یا از دولت بین النهرین (خنده نمایندگان) در باب مطلب اول آنچه اسباب حیرت بنده بود و تناقض و تباین داشت این بود که ایشان میفرمایند قانون اساسی تشریفاتی بیش نیست اما مجلس شورای ملی اختیاراتش را بطوری گفتند که بنده خیال میکنم از قضا و قدر نمیدانم چه عرض بکنم بالاتر است و مقامش و پایه اش از عرض برین وقاب قوسین او ادنی هم بالاتر است، یک کسی بگوید من عقیده ام بر این است که خدا نیست اما آن خدا مرا بعنوان پیغمبر فرستاده مجلس شورای ملی میگوید که قانون اساسی را قبول ندارم (جمعی از نمایندگان - ایشان میگویند) بلی بنده خطایم بایشان است آقای آزاد میگویند قانون اساسی تشریفات است امام مجلس شورای ملی که بقول معروف از نیست بهست آمده قانون اساسی است این صاحب اختیارات است بنده آرزو که ایشان این مطالب را میکنند بعد در روزنامه ما یعنی روزنامه صبحان مراجعه کردم و مطلبی که از قول ایشان نوشته بودند دیدم حقیقت ندارد آنها را سکنار گذاشتم از جمله حرف هایی که ایشان زده بودند این بود که

ما اگر وزراء را آویزان بکنیم بی جهت کسی نیست که حرفی بزند عجب مملکتی است عجب مشروطیتی است؟ رئیس - آقای نخست وزیر آنچه در اینجا گفتند بگویند آنچه که در خارج گفته شده است مربوط بمجلس نیست

**نخست وزیر** - بسیار خوب، در باب حیات داودی مطالبی گفتند که آنهم ارتباطی با استیضاحی که از بنده شده نداشت چون بطوری که تحقیق کردم چندی قبل در دوره یک حکومتی ملی ایحال غیر از این حکومت، حیات داودی مورد عفو قرار گرفته حالا اگر بعد خواستند آمده و مدال باو دادند یا ندادند آن مطابق این عفو بوده، حالا هلت آنهم چه بوده است بنده نمیدانم شاید آقای احمد فرامرزی نظر بسوابقی که از آن محل دارند بچگونگی و سوابقش واقف و عارف باشند و ممکن است در خارج توضیح بدهند (یکی از نمایندگان فقط محکوم را میشود عفو کرد) (دکتر مظفر - حکم محکمه باید صادر شود و بعد عفو کنند والا مجلس شورای ملی باید عفو کند) عرض کردم بنده اطلاع ندارم در دوره بنده که نبود که من اطلاع داشته باشم بنده هم نمیتوانم بگویم چه جور بوده راجع بحکمت شرکت ری هم باید عرض کنم اطلاعی از چگونگی این حکمت ندارم و وزارت راه ضمیمه را بچه هیئتی رجوع کرده بنده خبر ندارم بضرر یا نفع دولت هم تمام شده است آری هم استعضار ندارم اگر میخواهد رسیدگی بکنم البته ماضی نیست (آزاد - بر بنده اش را بیآورید) هر چه خواستید اینجا میگویم بیآورید یا اطلاق خالی کنید تا بگوئیم بیآورید یا بیآورید بصورت این مطلب ارتباطی با استیضاح من ندارد. مطالب مفصلی فرمودند راجع به راه آهن و مخارج گرانگی که شده من شخصاً موافقم و طرحی هم پیشنهاد میکنم که دولت مطابق آن طرح خواهش خواهد کرد از مجلس شورای ملی اگر موافقت بکند در هیئت نظارت راه آهن تکمیلی بعمل بیاید یعنی از نمایندگان مجلس اگر مایل باشند یعنی اگر این قانون را تصویب بکنند کسانی ضمیمه بشوند بهیئت نظارت و بجزه و کمال و در گذشته و آئینده مخارج راه آهن رسیدگی کنند (صحیح است - احسنت) و البته هم راه آهن و هم سایر مؤسساتی که از لحاظ طبیعت و اقتضای کارشان یک نوع استثناء هایی در طرز اداره شان پیش آمده بود این دولت موافقت دارد که تجدید نظری بشود و نظارت مجلس شورای ملی در این جا ثابت تر و وسیعتر بشود و در ضمن هم میخواهم خواهش بکنم که در موقع تصویب بودجه بشکافها هم ترتیبی بفرمائید که بیهانه اینکه کار لنگ میشود این موضوع عقب نیفتد زودتر هم این طرف قضیه روشن بشود و هم از طرف قضیه آشکار شود بنا بر این در اصل موضوع علاوه بر اینکه باستی این موارد بخصوص را در نظر بگیرند یک کمیسیون دیگری مرکب از اشخاص صالح و امین و بی غرض معین بکنند که بروند در راه آهن باین گذشته هم رسیدگی بکنند ولی منی ایحال مخارجی که در راه آهن شده در تحت نظارت ۴ نفر بعمل آمده ولی عرض بکنم که البته مخارج و بزرش و بودجه اش مو کول بتصویب دولت است و این بودجه



در تحت اختیار آن هیئت ۳ نفری بوده است و تازه هر کس مسئول باشد آن کسی است که در ۱۳۲۶ سر از بوده است و بنده در ۱۳۲۶ فقط نخست وزیر بوده ام اصلا وزیر راهم نبوده ام حالا چه ایرادی بنده هست نمی دانم اما مطابق اطلاعاتی هم که دادند علی ایحال این هزینه پذیرائی که صورت دادید که مورد استعجاب آقایان هم واقع شد که ۸ میلیون تومان خرج شده اینطور هم نیست سه و چهار هزار تومان تمام مخارج شده است باین مناسبت آقای آزاد یک مطلبی را هم گفتند و آن این بود که نماینده یک مطالبی را می آید بگوید و وزیر هم در مقابلش تکذیب میکنند این کافی نیست یک اموری در دنیا هست که باین توضیح مختصری خود نمایندگان محترم بهتر از هر کس عارف میشوند هم میشوند بکیفیت مطالب آقای آزاد اگر میخواهند بگویند که همان صحبت آنهنگر شوشتر و بلخ و مسکرون نمایانم این حرفها است که یک جایی یک کسی یک کلامی کرده و در جای دیگر کردن کسی دیگری را میزنند بنده عرض ندارم اما اگر بنا باشد هر کسی مسئول کاری باشد که خودش انجام داده و بکمیسیون برود رسیدگی بکنند طرح این مطلب را وقتی شما در مجلس کردید که بنده رأی مجلس را هم مسئول بکنم بکمیسیون که بخواهد بعد رسیدگی بکنند خوب چه ارتباطی با یکدیگر دارد عرض میکنم که اگر رفت و رسیدگی کرد و تمام ایرادات شما هم بجا بود بن چه مربوط است؟ شما یک موضوعی را مربوط بن بفرمائید که ارتباط با کار من ندارد همه آقایان میدانند که من در سال ۱۳۲۶ نخست وزیر نبودم پس بنا بر این منتظر چه بشوند؟ (صحیح است) اما در باب مطالب دیگری که فرمودید راجع با آقای قبادیان مثلا مدتی گزارشها و مکاتبات خارجیها و داخلیها را قرائت کردید من هر چه فکر کردم ارتباطش با من چه هست نفهمم آقای قبادیان بوجوب صورت مجلسی که در ۲۰ تیر ۱۳۲۴ با مضامین رسیده و در این تاریخ من فقط نخست وزیر نبودم اصلا در آن دولت شرکت نداشتم صورت مجلسی در آن تاریخ در وزارت دارائی تنظیم شده با مضامین دکتر جلالی، دکتر شاهکار، عبدالعزیز حکیمی، عباس قبادیان کلهر یک مقدار از این املاک مورد مطالبه و مورد ادعای او را با یک شرایطی با اجازه دادند (مهندس رضوی - مهندس وزیر بوده؟) آقای بدر، چه فرق میکند؟ (مهندس رضوی - خبنی فرق میکند، باید بدانیم) تاریخش را که عرض کردم هر کدام آقایان میتوانند رسیدگی کنند، حالا از آن تاریخ تا اسامی که بنده خدمت آقایان هستم نه یکدینار پول، نه یک و یک منک نه بامر من، نه بدستور من نه بموافقت من با آقای قبادیان داده نشده است (صحیح است) حالا این را نگاه داریم که کمیسیون برود رسیدگی کند بنده نمایانم چه را کمیسیون باید رسیدگی کند؟ بنده باین صراحت عرض میکنم وقتی حاضر می آید در باره استیضاح هم به تفریح بیافند که یک کمیسیون از خود نمایندگان برود رسیدگی بکند باین شرط که اگر کمیسیون دید که بقدر یک خرد بنده در این امر مداخله خوب باید داشته ام بدون هیچ حرفی

خودم میروم بمجلس ولی جناب عالی طبق آن مثل از زمین تا پشت بام مال من از پشت بام تا آسمان مال آن یکی اینطور میفرمائید که اگر دروغ است مرا ملامت کنید، اگر معلوم شد راست است بنده را ببرند معاکمه، من اینطور تقاضا میکنم که اگر معلوم شد دروغ است با همان لایحه از شما سلب مصونیت بکنند و بروید بمنوان مفتی تعقیب بشوید تا یکمده مردمی را که خون میخورند برای مملکت اینطور مورد اتهام قرار ندهید (صحیح است) چیز غریبی است شما بواسطه مصونیتی که یک نماینده دارد می آید اینجا و هر چه دلتان میخواهد بشما افراد خدمتگزار مملکت توهم می کنید آن یکی باید بروند تحت معاکمه تا وقتی که شهادتتان بخواهد آقای وارسته، چند روز آمدند وزیر دارائی شدند و رفتند هر کس هر اعمال غرضی که میخواهد بن بکنند از قول آقای وارسته یک چیزی نقل می کنند ولی آنچه که خودشان در موقع استماع بن نوشته اند این بود که موانع و مشکلات کار را از حوصله توانائی خودشان بیشتر دیده بودند و رفتند این خلاصه اش است، هر کس می گوید نمایانم یادرباب نفت دستور دادم، راجع بقوله دستور میدادم، در باب امضاء دستور میدادم، راجع بفرمانده دستور میدادم، یکی هم این مطلبی است که شما عنوان کردید که نمایانم راجع بقاجاق گمرک و این حرفها در ضمن مطالبی که در این باب گفتید بصورت موهنی اسمی از من آوردید در این باب هم از مثل قبادیان حاضر، اگر حاضرید بفرمائید، من اصلا کسانی را که مورد اتهام در این دوایق قاجاق چای یا نوع چای در گمرک صحبت شده است و شما اینجا گفتید اشغافش را هم نمی شناسم دیگر چه برسد باینکه شریک با کسی بودم و نسبت بن بهمید، اگر یادش خدمت و صرف وقت در راه مملکت اینست که وزرا را هر روز بیاورند و بی جهت توهم بن آنها بکنند بنده عرض ندارم ولی مملکت با این لباس بصحرای محشر نمود نمی کند، تشویق و تقدیر از زحمات لازم است تا با یکی حاضر شود خودش را فدای مصالح مملکت بکند و شب و صبح از خواب آرام خودش بگذرد! (صحیح است) حالا میخواهید می گویم، مدتهاست در مملکت ایران رسم شده است که افراد شاکی، که شاید فی الواقع هم ظلمی بآنها شده باشد یا نشده باشد، برای این که در کارشان در احقاق حقشان تسریعی بعمل بیاید بنمایندگان محترم رجوع می کنند اینهم بنظر من نهایی دارده ایرادی، هر کدام از آقایان وقتی رجوع می کنند که فلانکس فلان شکایت را کرده، خوب به بنده یا هر کسی از آقایان رجوع میکنند رسیدگی میکنند که رفع شکایت بکند، رفع ظلم را بکند، احقاق حق بکند، یک روزی در یک کمیسویی نشسته بودیم آقایان نمایندگان بودند آقای وارسته هم بود یکی از آقایان نمایندگان بن تذکر داد که در مورد قاجاق اینکه منم بکنند یکمده را گمرک دارد ظلم فاحشی می کند دستور بدهید جلوی این ظلم گرفته بشود (رحیمیان - آن نماینده کی بود؟) اگر بخواهید اسم آن نماینده را برایتان ببرم (رحیمیان - کی بود بفرمائید) تشریف بیاورید به نخست وزیر تا عرض کنم در همان جلسه در حضور سایر آقایان نمایندگان با آقای وارسته گفتم که رسیدگی بفرمائید به بنده این شکایت

چه بوده است بنده کی هیچ چیزهایی گفتم کایشان اظهار کردند، اما در باب این که آیا باید نماینده مداخله بکند یا نکند، یک کافندی دارم میخوانم، رئیس بانک کشاورزی سبزواری یک کافندی محترم امراض می رساند چندی است جناب آقای آزاد نماینده محترم سبزواری باین بنده فشار آورده است که آقای عینی صبوری (بزاز) را بسمت ریاست نمایندگی جوین استخدام نمایم چون از این موضوع سرباز زده ام بنده را مخالف جناب آقای آزاد فرض نموده با تحریک آقایان ارزونک و عباس ابراهیمی که اولی را رئیس شنبه و دومی را بسمت معاونت شنبه بر قرار خواهند نمود نقاظ ضعف شنبه را (که عیان است از عدم پرداخت وام باهالی سنگ سفید که مستحق دریافت وام هستند ولی از لحاظ این که باهم کلا متجدد و از طرفی فوق العاده بد حساب هستند رئیس این شنبه از پرداخت وام خود داری نموده تا حفظ سرمایه بانک بعمل بیاید) کشف و بنای تحریک باهالی دهستان نامبرده را فراهم نموده و موجبات هوچگی را در اهالی سبزواری معروف بآن هستند بعد کامل رسانیدند با تقدیم نامه صریح آقای آزاد در موضوع استخدام آقای صبوری بسمت نماینده جوین استماعی عاجزانه دارد امروز فرمائید بنده را از این شنبه و این شهر بدون منفصل نمایانم (آزاد - آقا آری بفرمائید) این نامه هم با مضامین آقای عبدالقادر آزاد جناب آقای پروین رئیس محترم بانک کشاورزی سبزواری برای ارسال صندوق نسوز شرحی ببنک کشاورزی نوشته شده بدین معنی است تا ورود صندوق شما مقدمت را فراهم و سازمان آنجا را تشکیل نمایانم ضمنا خواهشمند است در تعیین آقای علی صبوری بسمت نمایندگی آن محل اعمال فرمائید، این کافندی باین فایده ای برای بنده داشت و آن این بود که املاک را بنده یاد گرفته ام که با حای حسی است نه هوز (خنده حاضر) این را افلا بنده یاد گرفته ام راجع باصل مقصود، بنده نمایانم آیا مداخله یک نماینده که میگوید چند نفر که دولت وقتی آنها را منم دانسته است جنشان را از گمرک گذرانند دستور رسیدگی داده شود برای احقاق حق آنها این عمل بیشتر مداخله در کار دولت است! این معنی این است که بنده خواستم رأی دولت را زیاد کنم؟ یا این که بنده میخواهم بدانم اگر رئیس بانک کشاورزی و پیشه و هنر خواست این مضمون را دستور بدهد نام رئیس بانک کشاورزی سبزواری این عبارت چیر دیگری بنوشته این مداخله در کار دولت نبود مداخله در امور قوم و مجرد غیر از این چیز دیگری هست! (دکتر مظنی - کاش کافندی تمام نمایانم کانی که دخالت میکردند میخواهید) مطالبی هم راجع بارز فرمودید (رحیمیان - کافندی آقای آزاد را ایراد گرفتند ولی آبانمایندگان بطور خصوصی در عزل و نصب امومین دخالت ندارند این را هم میخواهم وجدانا سؤال کنم این ایراد آقای آزاد صحیح و وارد است) ایراد بکسانی وارد است که هم مداخله میکنند و هم ایراد بخواهند بکنند (آزاد - حق نداشته باشند برای حوزه انتخابیه خودشان حرفی بزنند) بصورت موضوع گمرک این است که دو مطلب در آن هست یکی موضوع این که یادداشتی داده اند از وزارت دادگستری راجع بوقای که در انبار گمرک است نگاه

را در آن سه استفاده هائی شده و مقدار مهمی از چای برداشت شده پرونده تشکیل و رسیدگی بشنبه ۷ دیوان کفر ارجاع و شروع بتحقیق شده است در نتیجه منم یعنی اسکندریوز انباردار تشخیص و روز گذشته مشارالیه برای جلوگیری از تانی بازداشت شده این یک مطلبی است که وقتی تذکری دادید رسیدگی شده و انباردار را هم بازداشت کردند هر نوع تحقیقی را هم که باید بکنند البته خواهند کرد و نتیجه اش هم معلوم میشود این یک مطلب دیگری که مربوط بگمرک خوزستان بود آقای افندی نمایانم تشریف دارند باخبر در حضور یک عده از نمایندگان بود که این مطلب را بنده یاد آوری فرمودند که خلاصه اش این بود بر طبق اطلاعاتی که بایشان رسیده است یک قاجاق هائی در گمرک شده و اشغاف در صدد هستند که جلوی این عمل را بگیرند و من جمله احتمال میرفت که برکنار کردن محمد آبادی کفیل سابق گمرک و نصب پیر زاده که آنروز رئیس گمرک شده بود آنهم بوسیله و بحکم آقای وارسته و بدون اطلاع من، حالا که این تغییر بعمل آمده این را یکی از آن اقداماتی میدانند که میخواهم جلوی آن اتهامات و آن تبلیغات گرفته شود بنده گفتم هم کسی این عمل را میخواهد بکند و برای اطمینان حالهم دیگر پیر زاده آنجا نیست، پیر زاده را من برداشتم بعد از رفتن آقای وارسته و همان محمد آبادی را دو مرتبه منصوب کرده حکمش را هم آقای بهنیا امضاء کردند دستور من، حالا علی را که با این تذکر بنده کرده برای تعقیب سرکار آمده اند اینجا میگویند پیر زاده را برداشته که تعقیب نشود بنده که می و حاضر اینجا هستم بنده از خلط و مزج بیزارم که هر کس مطالب عجیب و غریبی اینجا هر چه دلش میخواهد بگوید بنده تعجب میکنم باین وضع آخر چطور می شود این مملکت را اداره کرد: مطالبی مجددا در باب تصفیه حساب راه آهن با دولت انگلیس فرمودند، متأسفانه در برابر سرکار مطلب طوری است که وقتی با منم صحبت میکنند باز باور نمیکند، من مطالبی فرمودند که هر چه گوش کردید اصلاح مقصود ایشان را نفهمید، گفتند من چند سال پیش بلندن رفته بودم در مقابل لیره ها باید طلا میدادند من لیره گرفته ام لیره ها را آنوقت گرفته ام و باینکه گذاشتم مقصود این بود که بن دادند؟ یا بدولت دادند؟ اگر بن میگویند دادند بنده اینجا در پشت این تریبون حاضر بفرمایم که دلان میخواهد بنویسم اگر از یک لیره تا صد لیره نمایانم تا ۵۰ میلیون لیره هر پولی در هر بانکی داشته باشم طیب و حاضر خیال کنید حاضر کتبا هم بنویسم که بجناب عالی بدهند اگر بنام و نشانی میفرمائید بنویسم اگر بطور کلی میفرمائید اینطور عرض میکنم این در حکم وکالت نامه رسمی مصدق سجل هست و اگر میفرمائید بدولت دادند بنده نمایانم چه چیز را بدولت دادند که هنوز هم مورد بحث است آن دفته هم گفتم حالا هم میگویم امروز مادامی که دولت ایران رسماً بنویسد بدولت انگلستان که کلیه مطالبات ما از باب حمل و نقل راه آهن با پرداخت این وجه تصفیه حساب میشود یک لیره بدهند با در این صورت بفرمائید آن موقع بن لیره دادند آنوقت من اصلا

نمی توانستم وارد حساب بشوم بیست و دو میلیون و هشتصد هزار تومان گفتم علی الحساب دادند ولی نه هنوز جنک تمام شده بود و نه هنوز محاسبه خانه یافته بود که بن چیزی بدهند، در باب آن لیره باطلا که گفتند نمایانم، اصلا نفهمیدم چه چیز فرمودند یک دوره ای دولت ایران با دولت انگلستان قرار دادی در باب تبدیل یک مقدار از لیره های طلا داشت در موقعی که من در وزارت دارائی بودم و این حساب هنوز تصفیه نشده بود چنانچه هنوز هم تصفیه نشده آقای صادق هستند، آنوقت عضو دولت بودند من اصرار کردم که یک ماده ای انگلیسها گذاشتند که وقتیکه این حساب تصفیه شود بهر مبلغی که قطع شود آن تفاوت طلا را هم باید بدهند، این مملکت غریبی است آقا انسان اصرار را که برای خدمت به مملکت برای تأمین مصالح دولت و مملکت می کند عکس آنرا جلوه میدهند، می گویند که بنا بود طلا بدهند و توفرتی صرف نظر کردی! معنی رضای خدا فکری بجای این مملکت بکنید! من اصرار کردم که این ماده را بگذارند که هر روز تصفیه شد باید طلا بدهند آنوقت امروز بن ایراد میکنند که قرار بود طلا بدهند هرگز گفته است که ندهند شما بن میگویند که باید نفوذ خارجی را از این مملکت برانداخت من بیهای جان و شرافت خودم اصرار کردم هر جا که بود نفوذ خارجی را عملا از آنجا برانداختم بقدر قوه خودم (احسن) آنوقت شما بن ایراد میکنید من این را بچه چیز تمیز کنم با که گویم که در این یرده چه ما می بینم (آفرین) این آقا صورت جلسات هیئت وزراء است میخواهید خودتان بخوانید میخواهید بخوانم، موضوع تصفیه حساب ما از باب مطالبات راه آهن باین مبلغ در کابینه آقای حکیمی تصمیم گرفته شده است در هیئت وزراء موافقت مقدماتی شده است آقای اردلان وزیر راه وقت آمدند در کمیسیون قوانین دارائی و راه این مطلب را با اطلاع آقایان رسانیدند (صحیح است) آقایان هم مسیوق شدند من که برای شما آنروز عین کافندی که آنجا نوشتم بمنوان سفارت انگلیس خواندم و دادند در تند نویسی ضبط کردند باز میفرمائید که آلفا و الوالیر حق ما بوده است و تمام را هزار به ۷۲ میلیون صلح کرده است کی صلح کرده است؟ کی بخشیده است؟ من که باسم دولت حرف میزنم بنام مصالح مملکت میگویم برای این که اگر در مجلس شورای ملی گفته شود که صلح شده میگویم نشده تمام نشده، قطعیت پیدا نکرده این که نمیشود شما بگویند هزار ۷۲ میلیون تومان صلح کرد! (آزاد - در بوجه نوشتید امضا کردید آوردید این جا تبصره ۲ ماده ۲) آقا هزاره قرارداد عهد نامه میبندند برای تأیید یا برای ردش میآورند مجلس شورای ملی اگر تأیید شد قطعیت دارد اگر نشد رد میشود اگر شما اصرار دارید که رد بشود منم بشود وظیفه وجدانی خودتان را میدانید بنده چهار کمپس دوباره میخواهید بعنوان شماره ۲۸۶-۲۸۷ است ۲۰ داد ۱۳۲۷ با داشت وزارت خارجه است سفارت انگلیس، وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را سفارت کبرای اعلیحضرت پادشاه انگلستان اظهار و عطف بنامه سوزخه ۳۱ خرداد ۱۳۲۷

شماره ۱۹۵۴۸۴۸ راجع بمطالبات بنگاه راه آهن ایران از دولت انگلستان نسبت با استفاده نیروی انگلیس که بمنوان جناب آقای نخست وزیر ارسال فرموده بودند زحمت میدهید نتیجه تصمیم دولت در این خصوص قریباً با استحضار سفارت کبری خواهد رسید با این قضیه چه حرف بزنم؟ چه توضیحی بدهم؟ اما راجع بارز، بنده راجع بارز وقت آقایان را زیاد نمیگویم یک جنبه مفصل توضیح دادم و نتیجه اش هم همان است که آقایان دیده اند نسبت ارز را بالا نبرد، قیمت رسمی لیره همان ۱۲۸ و ۱۳۰ ریال است که بود، گواهنامه فروش ارز قبل از این تصمیم هم قیمت داشت، قیمتش بیش از ۱۳ تومان بود و حالا کمتر از ده تومان است (صحیح است) جنس هم در بازار تنزل کرده است، فرمایش جناب عالی هم موثر نیست و من نمی دانم آقای آزاد که خودشان گفتند وقتی معنی آقای ابتهاج خواستند در باب مسائل ارزی بن توضیح بدهند چون دیدم از مسائل اقتصادی است و من درش وارد نیستم گوش ندادم پس این ساعت راجع بارز چه توضیحی میدهند!

ذات نابافته از حسنی بخش کی تواند که شود هستی بخش بما یاد میدهند چیزی را که خودشان میگویند وارد نیستیم، خوب پس اول یا آنرا بفرمائید یا این که ما را در این موضوع وارد نکنید! اما راجع به طلب دیگر آن هم باز از لحاظ حفظ مصلحت ایران در مقابل یک شرکت خارجی باید عرض کنم آن دفته هم عرض کردم حالا هم تکرار میکنم بنده گفتم و نوشتم بشرکت نفت که ما اسعاری را که شرکت میفرشود حاضر نیستیم بهیچوجه من الو جوه از ۱۲۸ ریال یک دینار هم بیشتر بدهیم (احسن) آقای وارسته موافقت نخواهم کرد، حالا آقای آزاد یکبار نه دوبار میگویند که شرکت قبول نخواهد کرد، مگر شما و کفیل شرکت هستید! از آن طرف عمل هم اگر بخواهید بانک ملی ایران ارقام آن را در جراید منتشر میکند، در ششماه اول بار سال پنج میلیون و خورده های لیره گرفته است از شرکت ۱۲۸۰ ریال، در ششماه اول امسال هفت میلیون و خورده های گرفته قیمت آن هم همان ۱۲۸ ریال نمایانم آقاچه میفرمائید؟ (مهندس رضوی - تصویب گواهی نامه ارز از چه تاریخی است؟) از مرداد (مهندس رضوی - در این صورت از ششماه اول فقط بانزده روزه است) حساب جناب عالی اگر یک ماه یا پانزده است که بنده با این حساب نمایانم چه عرض کنم بهر صورت آقا در ماه مهر هم حساب کنید در حدود نه میلیون لیره است اما این که میفرمائید این کسانی که گرفته اند بفلان جا از کجا ارز آورده اند میگویم آقا فکر بفرمائید بر فرض فرس بفرمائید یک وسائلی توانستند انداز قاجاق بخرند، این ارز قاجاق خریدن یا نظیرین چه تأثیری دارد در تغییر وضع ارز، این تصویب نامه هم که میفرمائید اگر شرکت قبل از این تصویب نامه از قرار ۱۲۸ ریال ارزش را می فروخت بوجب این تصویب نامه هم گفته شده است از قرار ۱۲۸ ریال برود، حالا اگر شرکت وسیله داشته باشد ارزش را بقاجاق بفروشد و قبل از تصویب نامه هم میتوانست بعد از این







**عباس اسکندری** - ایشان چون عملاً قبول کرده اند این پیشنهاد را بنده خیال میکنم که از نظر دولت هیچ اشکالی ندارد و برای اینکه مجلس هم این مطلب را تصویب بکند هیچ اشکالی ندارد مثل نظارت در بانک هیچ قسم مداخله هم در قوه مجریه نیست بطور مستند که دادگستری و مأمورین دولت که نظارت می کنند اینها هم نظارت بکنند آقای سعید وزیر هم در این حرفی ندارد

**دکتر اعتبار** - آقا بنده با تئوری که بندگان مخالفه

**رئیس** - این آقا مطرح نیست حالا آقای سعید وزیر صحبتی دارید؟ بفرمائید

**انجمن وزیر** - بنده خواسته از اظهار انطباق و اعتماد اینکه مجلس شورای ملی نسبت به بنده فرمودند اظهار تشکر و امتنان صمیمانه بکنم

**ملک مدنی** - اجازه بفرمائید

**رئیس** - تأمل بفرمائید چون فوریتش مطرح است باید رای گرفته

**دکتر معظمی** - اول موافق و مخالف باید صحبت کنند

**رئیس** - صحبتی ندارد اگر مخالف با فوریت کسی باشد میتواند صحبت کند و الا در اصل موضوع حالا صحبتی ندارد

**ابوالقاسم امینی** - چون اکثریت نیست الان نمیشود رای گرفت

**رئیس** - آقای ملک مدنی موافقت ؟

**ملک مدنی** - موافقم

**رئیس** - آقای کشاورز صدر بنا فوریت موافقت ؟

**کشاورز صدر** - بلی موافقم

**رئیس** - آقای رحیمیان با فوریت مخالفید ؟

**رحیمیان** - خیر

**رئیس** - آقای نبوی بنا فوریت این طرح مخالفید ؟

**نبوی** - بلی

**رئیس** - بفرمائید

**نبوی** - در موضوع بازرسی و تقویت در کارهای راه آهن خیال میکنم هیچکس مخالف نیست

**امامی اهری** - حالت آقای رئیس بفرمائید کدام يك از این طرحها مطرح است

**رئیس** - طرحی که ۱۰ نفر از آقایان امضاء کرده اند

**نبوی** - همه ما موافقت کفایت بازرسی در راه آهن بشود که به بنده واقفم يك بی ترتیبی هائی شده است بطور در اینصورت من همه آقایان موافقت و این عمل بسیار کار خوبی است ولی در اساس بنده خیال می کنم که این کار از وظیفه مجلس شورای ملی نباشد ( صحیح است ) شخص اینکجه کسانی معین بشوند و بروند آنجا را بازرسی کنند با اموری است که از وظایف دولت میباشد و ما اگر تمین کنیم که اشخاص معین بروند بازرسی کنند اینکار خوب نیست و با مقررات هم رفق نمیدهند اگر جرائم واقع شده باشد دادگستری داریم (رضوی) راجع فوریت بفرمائید اینها اینکه عرض میکنم راجع فوریت است و اضافه بر آن چیزی عرض نمیکنم و باین دلیل میباشد می بیشتر در اطراف آن صحبت بشود و من خیال میکنم که الان فوریتی برای آن لازم نیست اینکار از وظایف دولت است هر يك از آقایان بدیوان کبفر اعلام جرم بکنید بدیوان کبفر میتواند برود تحقیق و تعقیب بکند بازرسی کل کشور هم هست باینجهت چنین موضوعی را که شاید موافق عقیده بنده هم باشد با فوریت وفق نمیده و این فوریت را لازم ندارد

**رئیس** - حالا باید فوریت رای گرفت چون بکنفر مخالفت کرده است وعده کافی نیست

**ملک مدنی** - اجازه بفرمائید بنده موافقم صحبت کنم

**رئیس** - يك طرحی که میآید و بکنفر مخالف صحبت میکند موافق ندارد

**ملک مدنی** - اجازه بفرمائید باین موافقت صحبت

کند و دلیل فوریتش را بگوید

**رئیس** - بفرمائید

**ملک مدنی** - بنده بنا اینکه صدای بنده کسی بواسطه سرما خوردگی گرفته معذرت لازم دیدم يك توضیحی عرض کنم مدتی است راه اینکجه راه آهن يك صحبت هائی هست در مجلس هر چند مرتبه مطرح شده و این موضوع بایستی واقف رسیدگی شود (صحیح است) و وضعیت راه آهن هم معهود بشود (صحیح است) حالت اینهم که مجلس این موضوع را تقویت کرده است آقای نبوی برای اینست که من و خرج بودجه راه آهن را مجلس نظارت نمی کند بنگاه باین مهمی راه آهن بواسطه يك مقتضیاتی زیر نظر دولت است خود دولت تصویب میکند راه آهن هم انجام میدهد ما از نقطه نظر وظیفه ملی اینکه داریم باید در تمام بودجه مملکت یعنی دخل و خرجش نظارت بکنیم ، خوب تا بحال اینطور مصلحت بود اما حالا تا باید سهل انگاری بکنیم و اگر سهل انگاری بکنیم در خارج گفته میشود که مجلس شورای ملی با این خرابکاریها موافق است ( صحیح است ) در صورتیکه اینطور نیست مجلس شورای ملی باین خرابکاری موافقتی ندارد بلکه اینجای بخصوص را میخواهد رسیدگی بکند (صحیح است) بنده باینجهت موافق هستم که این فوریت تصویب بشود و آنوقت در مواد اگر آقایان نظری دارند صحبت کنند (احسن است) بنده هم نظری در مواد دارم که در موقع خودش عرض میکنم

**۴ موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

**رئیس** - بنابراین چون باید رای گرفته شود وعده برای گرفتن رای کافی نیست جلسه را ختم میکنم در جلسه آینده همین موضوع مطرح خواهد شد و روز یکشنبه جلسه میباشد

( مجلس یکساعت ونیم بعد از ظهر ختم شد )

**رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت**